



فهرست مطالب

۲	 خجسته باد هشتم مارس، روز بین‌المللی زنان
۳	 تحریم انتخابات و بی‌اعتباری نظام
۵	 زنان در آستانه روز جهانی زن
۷	 اپوزیسیون وطن‌فروش از «ویروس کرونا» خطرناک‌تر است
۷	 ویروس کرونا و حقایق چند در مورد ریاکاری آمریکا!
۸	 نامه‌ی شوراهای صنفی دانشجویان کشور به وزیر علوم در خصوص تعطیلی دانشگاه‌ها
۹	 چند نکته مؤثر برای پیشگیری از ابتلای به «ویروس کرونا»
۱۰	 بودجه ۹۹، تورم و فقر بیشتر، برای کارگران و زحمتکشان و چپاول بیشتر اموال عمومی
۱۲	 بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در مورد دستمزد سال ۹۹
۱۳	 در جبهه نبرد طبقاتی
۲۰	 سخت در اشتباه‌اید! عدم شناخت صحیح از دشمنان مردم فاجعه می‌آفریند!
۲۱	 گزارش مختصری در مورد کنفرانس امنیتی مونیخ
۲۱	 سیاست میلیتاریسم جهان غرب برای پیشگیری از «غروب غرب»
۲۲	 یک ترور فاشیستی نازیستی در آلمان
۲۳	 دروغگوی دونالد ترامپ در مورد رونق اقتصادی و کاهش فقر در آمریکا
۲۴	 درس اخلاق!
۲۵	 پیام حزب کار ایران (توفان) به نهمین کنگره رفقای حزب کمونیست کارگران فرانسه
۲۶	 آمریکا باید سربازان خود را از خاورمیانه خارج کند و دست از مداخلات خود بردارد
۲۷	 گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش
۳۱	 پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام



خجسته باد هشتم مارس، روز

بین‌المللی زنان

هشتم مارس، روز بین‌المللی زنان، بار دیگر فرا می‌رسد. این روز تاریخی، روز همبستگی زنان سراسر جهان در پیکار به خاطر رهایی از ظلم و ستم جنسیتی و طبقاتی و از تمام قیود ارتجاعی و قرون وسطائی است. حزب ما فرصت را مغتنم می‌شمارد، این روز تاریخی را به همه زنان جهان تبریک می‌گوید. رشد مبارزات مردم تحت ستم ایران برای سرنگونی رژیم استبدادی و زن‌ستیز جمهوری اسلامی از شرکت روزافزون زنان در تمام عرصه‌های صنفی، سیاسی و اجتماعی حکایت دارد. امروز نام بسیاری از زنان پیکارجو، که پا به پای مردان برای رهایی از ستم به‌پاخاسته‌اند، در لوحه افتخار می‌درخشد و مبین مشارکت میلیونی فعال زن ایرانی است که پیروزی مردم ایران را تضمین خواهد کرد. حضور فعالین زن در عرصه کارگری و دانشجویی و اخیراً در نبرد خیابانی آبانماه در مقابل نیروی تآبن دندان مسلح جمهوری اسلامی بیانگر کارزار و برآمد نیمی از پیکره انقلاب آتی ایران است، که بدون حضورش این انقلاب به ثمر نخواهد نشست.

روشن است اسارت زن محصول چند دهه اخیر نظام طبقاتی و استثمارگری نیست. زن قرن‌هاست که در اسارت به‌سرمی‌برد. تنزل نقش زن و نابرابری او در جامعه هنگامی آغاز شد که نقش او در تولید اجتماعی تخفیف یافت و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید پدید آمد. از آن پس او تنها «برده هوسرانی مرد شد و به ابزار تولید فرزند تبدیل گردید». بنابراین اسارت زن معلول جامعه طبقاتی است و آزادی او تنها با محو جامعه طبقاتی امکان‌پذیر است. اما محو جامعه طبقاتی، که از طریق برانداختن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید امکان‌پذیر است، تنها در رسالت تاریخی طبقه کارگر می‌باشد. طبقه کارگر با رهبری حزب خود با انجام این رسالت تاریخی نه تنها آزادی خویش را، بلکه آزادی تمام جامعه،

واز آنجمله آزادی کامل زن را نیز تأمین خواهد کرد. از اینرو زنان در مبارزه به خاطر آزادی به طبقه کارگر می‌پیوندند و در این پیکار دوران‌ساز به سالیان متمادی اسارت خود پایان خواهند داد. این تنها راه آزادی زنان است و تمامی «تابوشکنی‌های جنبش برهنگی» و کلمات دهن‌پُرکن بورژوازی و فمینیستی و پست‌مدرنیستی درباره رهایی زن تنها برای انحراف مبارزه زنان است و هدفی جز دور ساختن آنها از هدف اصلی و حفظ وضع موجود ندارند.

حزب ما به روشنی از حقوق زنان ایران دفاع می‌کند و در مسیر استقرار تساوی حقوق زنان و مردان، لغو کلیه قوانین ارتجاعی مذهبی و غیرمذهبی، لغو هرگونه تبعیض و محدودیت برحسب جنسیت، آزادی پوشش، آزادی ازدواج و انتخاب همسر و ازدواج غیرمذهبی، لغو کلیه قوانینی که به بهانه ناموس ارتکاب جنایت علیه زنان را توجیه می‌کنند، ممنوعیت فحشا بطور کلی و فحشا مذهبی به نام صیغه‌گری، آزادی سقط‌جنین و به رسمیت‌شناختن این حق برای زنان و..... می‌کوشد و پیگیرانه در جهت تحقق آن، که با برافکندن رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی میسر است، گام برمی‌دارد. شرکت زنان جوان ایران در خیزش دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و در سراسر دانشگاه‌های کشور و به چالش گرفتن کلیت جناح‌های رژیم اسلامی نویدبخش است و نشان داده است که موفقیت انقلاب آتی ایران بستگی به میزان شرکت آگاهانه زنان در آن دارد.

بی‌شک سرنوشت زنان ایران به سرنوشت زنان عراق، افغانستان، لیبی، یمن، سوریه، بحرین، فلسطین و سایر زنان منطقه گره خورده است. این است که طرح مطالبات بر حق زنان ایران بدون پیوند آگاهانه با مبارزه علیه تجاوزات امپریالیستی فاقد محتوا و غیر مترقی خواهد بود. نمی‌توان مدافع حقوق زنان ایران بود، اما از تجاوز نظامی به لیبی، سوریه، لبنان، یمن، فلسطین، عراق، افغانستان و بحرین..... حمایت نمود و این سیاست امپریالیستی را در قالب مبارزه با اسلام سیاسی تئوریزه و تبلیغ کرد. تا امپریالیسم و ارتجاع طبقاتی در جهان حاکم است، تصور آزادی کامل زنان و تحقق حقوق دموکراتیک و برابر آنها با مردان میسر نخواهد بود.

گرامی داشت هشتم مارس؛ یعنی تأیید پیکار زنان کارگر جهان در جهت بهبود وضع اقتصادی خود و برابری در حقوق صنفی و سیاسی با مردان؛ یعنی تأیید جنبش‌های مترقی زنان، جهت کسب برابری کامل با مردان؛ یعنی تأیید مبارزه برای رهایی فکر و اندیشه زن از حصار که تفاوت جنسیت به دور او کشیده شده است؛ یعنی تأیید آزادی، برابری و محو هرگونه ستم جنسی و طبقاتی! آنرا گرامی بداریم.

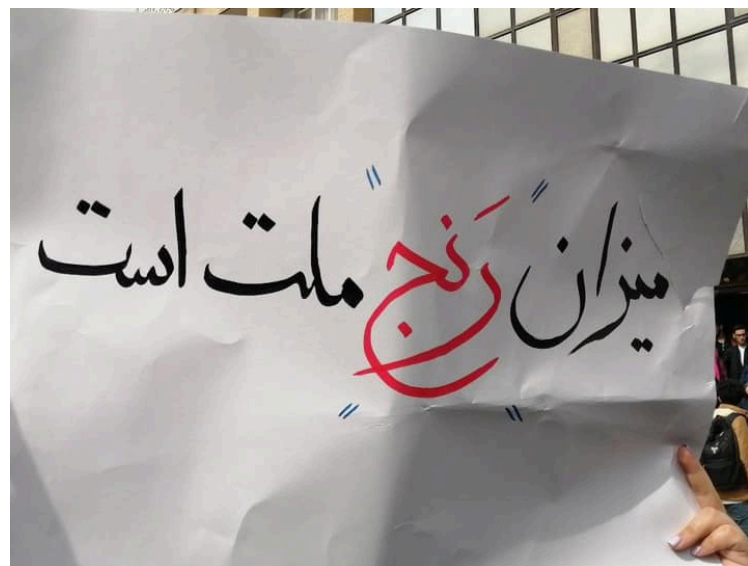
فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی زنان سراسر جهان! سرنگون باد رژیم زن‌ستیز سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت!
دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!
حزب کار ایران (توفان)
اسفند ۱۳۹۸

میلیون و ۹۱۸۰ هزار نفر واجد شرایط رأی دادن هستند که از این رقم، مطابق گزارش وزارت کشور، ۱۲ میلیون نفر در این دوره از انتخابات مجلس شرکت کرده‌اند. اگر این رقم درست باشد، که محال است، بر این اساس نرخ مشارکت کمی بیشتر از ۲۰ درصد بوده است. در شهر تهران نیز ۱ میلیون و ۸۴۱ هزار و ۸۹۱ نفر شرکت کردند که ۲۵،۴ درصد واجدان شرایط بود.

در مورد ترکیب مجلس یازدهم باید گفت که فقط ۵۶ نفر از نمایندگان فعلی مجلس دهم توانستند به مجلس یازدهم راه یابند. به این ترتیب که از ۲۹۰ نماینده فعلی مجلس، ۲۴۸ نفر ثبت‌نام کرده بودند که صلاحیت ۱۷۳ نفر از آنان تأیید شده بود و از میان این ۱۷۳ نماینده فعلی مجلس حاضر در رقابت‌ها فقط ۵۶ نفر موفق شدند به مجلس یازدهم راه یابند. در حقیقت شورای نگهبان ۳۰ درصد از نماینده‌های فعلی را رد صلاحیت کرده بود (۷۵ نفر از ۲۴۸ نفر)؛ ۷۰ درصد باقی از آنها، یعنی ۱۱۷ نفر هم رأی نیاوردند. یعنی فاقد صلاحیت لازم برای نمایندگی هستند. این تصفیه، خیزی است که نظام برای انتخابات ۱۴۰۰ برداشته است. به نظر می‌آید که اگر چه به ظاهر چنین می‌نمایند که مجلس اصول‌گرا، مجلس سازش‌ناپذیری باشد، ولی شواهد همه نشان می‌دهند که گام بلند نظام به سوی امریکا نیازمند تقریب و انسجام در سطوح مختلف حاکمیت است. نماینده ولی‌فقیه در استان آذربایجان به این مهم چنین اشاره می‌کند: «مجلس یازدهم و چیدمان نمایندگان مجلس بسیار اثر در انتخابات ریاست جمهوری دارد زیرا این مجلس می‌تواند تضمین‌کننده یک دولت جوان حزب‌اللهی در آینده باشد». احتمال می‌رود که یک‌دست‌شدن مجلس در عین حال پاسخی باشد به رقابت‌های جناح‌های مختلف در مجلس به عنوان یکی از موانع اصلی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و این برمی‌گردد به عدم شفافیت آراء و تعارض منافع نمایندگان مجلس در صحن و کمیسیون‌های مجلس.

به هر حال نتایج تحریم انتخابات چنان عیان است که جایی برای انکار نگذاشت و همه دستگاه‌ها و اتاق‌های فکری را به واکنش واداشت، تا نتایج و علل کاهش مشارکت مردم را به نوعی توجیه کنند. سایت «تسنیم»، خبرگزاری رسمی نظام، به بی‌اعتنائی مردم در امر مشارکت در انتخابات چنین اذعان می‌کند: «پیام افرادی که در انتخابات حضور نداشتند، انتقاد از مسئولان و نمایندگان مجلس بود که با اعمال و رفتارهای خود از شأن و جایگاه مجلس به‌عنوان میراث یک‌صدساله نهضت مشروطه کاستند... نتایج انتخابات ۲ اسفند به وضوح نشان می‌دهد که مردم خواستار تغییر در وضع اداره کشور هستند». این اعتراف بیان حقیقتی است که نظام نمی‌تواند آنرا ندیده انگارد و یا آنرا مسکوت بگذارد. اما دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم کوشش عجیبی دارند رخدادهای چند ماه گذشته را به عنوان عوامل موثر روحی نشان دهند. مسأله افزایش قیمت بنزین، حادثه هواپیمای مسافربری اوکرائینی و ترس و هراس مردم از



تحریم انتخابات و بی‌اعتباری نظام

یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲ اسفند ۱۳۹۸ در زیر سایه سرکوب ارتجاع داخلی و تهدیدات و تحریمات دشمنان خارجی برگزار شد و باید گفت که در طی ۴ دهه حاکمیت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی این نخستین باری است که مردم به صورت گسترده به پای صندوق‌های رأی نرفتند و با این تحریم انتخابات دست رد بر سینه نظام زدند.

انتخابات این دوره مجلس می‌بایستی با مشارکت بالا انجام می‌گرفت و ترکیب مجلس شورای اسلامی نیز تغییر می‌یافت. راه «کسب کلیدهای قدرت» از همین مجلس قانونگذاری می‌گذرد. بی‌جهت نیست که نمایندگان مجلس میلیاردها تومان هزینه تبلیغات خود می‌کنند، تا به مجلس راه یابند. در این وضعیت نیز نه نظام علاقمند است دخالت کند و نه قادر است جلوی این ریخت و پاش‌ها را به نحو موثری بگیرد. اهتمام نظام و علی‌الخصوص وزارت کشور تنها متوجه جلب مردم به صندوق رأی و نظارت بر ترکیب مجلس است. وزارت کشور در این خصوص یک «اتاق فکری» راه‌اندازی کرد، تا با تحلیل از اوضاع کشور و با توجه به حوادثی که در طی دو سال گذشته در کشور رخ داده است، سیاستی تبیین شود که مردم را بتوان به پای صندوق رأی کشانید. علی‌رغم کوشش‌هایی که دستگاه‌های تبلیغاتی و نهادهای ذی‌صلاح ترتیب دادند، مردم به حرف‌های سران نظام گوش ندادند و در سطح بسیار گسترده انتخابات را تحریم کردند.

ابتدا نگاهی کوتاه بیاندازیم به نرخ مشارکت مردم در انتخابات و بعد به ترکیب مجلس یازدهم. طبق آمار وزارت کشور، ۵۷

شیوع «ویروس کرونا» به عنوان عوامل اصلی و تعیین کننده علت کاهش مشارکت مردم در انتخابات دوم اسفند توضیح داده می شود. این کوشش ها بدون تردید ره به جایی نخواهند بُرد؛ چرا که علت اصلی تحریم انتخابات، گذار طبقات و اقشار مختلف مردم از همه جناح های حاکمیت است؛ ابراز عملی و واقعی آنها از نارضایتی خود از وضع موجود است. تحریم، تبلور خواست توده هاست؛ نشان اراده آنها برای تغییر نظم موجود و تعیین سرنوشت خویش به دست خود است؛ تحریم، قهر با صندوق آراء نیست، پشت پا زدن به حاکمیتی است که برای جمهور مردم ارزش قائل نیست.

نظام اسلامی ایران مردم را سرکوب می کند، معیشت آنان را می بُرد، توده ها را به روز سیاه می نشاند، آنان را به ورطه نابودی می کشاند و «مقام معظم رهبری» بی شرمه اصرار می ورزند «بر اینکه مردم همه شرکت کنند در انتخابات ... حتی آن کسانی که نظام را قبول ندارند!» در صورتی که خامنه ای بارها تأکید داشته است که «هر کس پای صندوق رأی می آید، در واقع رأی به جمهوری اسلامی، رأی به قانون اساسی و رأی به مواد غیر قابل تغییر قانون اساسی - یعنی اسلام و ارزش های اسلامی می دهد. حضور مردم، یعنی دفاع از جمهوری اسلامی؛ یعنی دفاع از قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی». دلیل این دوگانگی در سخنان خامنه ای تنها می تواند نشان بی اعتباری و ورشکستگی نظام باشد. «رهبر انقلاب» فقط به مشارکت مردم توجه دارد؛ برای او این مسأله که «او کیست و من چه کسی هستم، در این جا مطرح نیست؛ اشخاص مطرح نیستند. اصل حضور مردم است. اصرار ورزیدن او به «مشارکت»، ترس و هراس «رهبر» را نشان می دهد از اینکه مردم، این عامل تثبیت و «قوام اسلام»، آنگونه که او بارها تکرار کرده است، از نظام روی برگردانند. به همین دلیل شخص «مقام معظم رهبری» از هفته ها پیش از آغاز انتخابات مجلس بارها به مناسبت هایی به مسأله «مشارکت در امر انتخابات» اشاره داشت و همانند دوره های گذشته در اهمیت شرکت وسیع مردم در این دوره از انتخابات دلایلی اقامه کرد که نشان می داد نظام در نزد مردم بیش از پیش بی اعتبار گشته است. خامنه ای در هیچ دوره از ادوار گذشته از مخالفین خود به این صراحت تقاضا نکرده بود که علی رغم اختلاف با نظام در انتخابات شرکت کنند. این یکی از نشانه های ورشکستگی و بی اعتباری نظام است. او در جلسه ای در قم به این نکته مهم چنین اشاره می کند: «من اصرارم در همه انتخابات ها بر حضور است...». «... ما تکیه می کنیم، تأکید می کنیم، اصرار می ورزیم بر اینکه مردم همه شرکت کنند در انتخابات ... حتی آن کسانی که نظام را قبول ندارند، برای حفظ کشور، برای اعتبار کشور بایند در انتخابات شرکت کنند».

خامنه ای نمی فهمد که مشارکت در «انتخابات» آنگونه که او از مردم می خواهد، نمی تواند امنیت و مصونیت ملی را موجب شود. آنچه که می تواند کشور را حفظ کند و به اعتبار آن

بیافزاید، رضایت مردم است. اما نظامی که با مردم قهر است و به خواست ها و مطالبات محق آنها با گلوله پاسخ می دهد و قهر آنان را برمی انگیزد، چگونه می توان از آنها خواست تا با مشارکت خود «امنیت ملی» را تضمین کنند. نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی اذعان دارد که «مشکلات معیشتی اقتصادی در کشور داریم، اما هر کسی که ایرانی است و ایران را دوست داشته و امنیت و اقتدار ایران را دوست دارد، باید در این انتخابات و راهپیمایی شرکت کند».

«رهبر معظم انقلاب» از «حق انتخاب گری» «حق مشارکت در تعیین سرنوشت» به عنوان یک «فضیلت» و «ارزش» سخن می راند. اگر به زعم او ویژگی حق در این است که صاحب حق باید از آن دفاع کند و در پی استیفاء آن باشد، این به این معنی است که صاحب حق، یعنی توده های مردم، باید تمام حق خود را مطالبه کند! وقتی حاکمیت به استیفاء حق با زندان و شکنجه و گلوله پاسخ می دهد، آیا تحریم انتخابات، خود نوعی استیفاء حق نیست! خامنه ای چون سمه را پُرزور دید، از مشارکت در انتخابات به عنوان یک «تکلیف شرعی» یاد کرد؛ «ملت عزیز ایران، انتخابات را باید اولاً به عنوان یک تکلیف الهی و یک تکلیف اسلامی محاسبه کند... شرکت در انتخابات، هم حق مردم است و هم تکلیف شرعی و واجب شرعی است». خامنه ای با اشاره به «تکلیف و واجب شرعی» کوشش کرد تا «مشارکت» را از یک «حکم شرعی» استنتاج کند که این حيله نیز اراده مردم را متزلزل نساخت و بی اعتنائی مردم را حتی نسبت به «وجوبات شرعی» برانگیخت. دستگاه های تبلیغاتی نظام همه به یکباره به کار افتادند تا هر طور که شده آبروئی برای خامنه ای بخرند، ولی آبی بود، ریخته؛ گفتند که «برای مشارکت در انتخابات ضرورتی فراتر از تکلیف شرعی وجود دارد که باعث می شود تا ضرورت داشته باشد، هر ایرانی، ولو اینکه کاری با تقلید و تکلیف شرعی نداشته باشد و یا اساساً غیر مسلمان باشد و یا هیچ تعلق خاطری به نظام جمهوری اسلامی نداشته باشد، نیز در انتخابات مشارکت کند». واکنش مردم و دورماندن از صندوق رأی نشان داد که «مقبولیت مردمی» با «مشروعیت الهی»، که به زعم خامنه ای ریشه در «شرع اسلام» دارد، در یکجا جمع نمی آیند.

این دست و پا زدن های بی حاصل «رهبر انقلاب» نشان می دهد که نظام قادر نبود از واکنش و حضور میلیونی مردم ایران به ترور سردار قاسم سلیمانی برای نظام پشتوانه مردمی بسازد. حضور پررنگ مردم در تشیع قاسم سلیمانی آنگونه که حزب ما به درستی پیش بینی می کرد، نه در تأیید نظام که در واقع تأیید این حقیقت بود که مردم ایران همزمان با دو دشمن داخلی و خارجی درگیرند و مبارزه علیه نظام سرمایه داری اسلامی ایران جدا نمی بینند. از اینرو اعتراضات و شورش های سراسری آبانماه ۱۳۹۸ از یکسو و حضور میلیونی مردم به احترام از



زنان در آستانه روز جهانی زن

نگاهی به مرزبندی زنان زحمتکش ایران با واسطه‌های فروش سناریوی «تجاوز نظامی برای رهایی» در آستانه بزرگداشت روز جهانی زن

از همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ سرکوب سازمان‌های سیاسی، احزاب، مطبوعات و خصوصاً زنان در دستور کار رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت. در اولین بزرگداشت «روز جهانی زن»، روز ۸ مارس ۱۳۵۷ دختران جوان و زنان با شعار «در طلوع آزادی، جای حق زن خالی» به میدان آمدند و این روز به تظاهرات ضد حجاب اجباری بدل شد. از آن به بعد زنان با شهامت در برابر خشونت گروه‌های متحجر و لپن‌های سازمان‌یافته‌شده، که روسری‌ها را جلو می‌کشیدند و پونز می‌زدند، یا دست‌های زنان بی‌حجاب را رنگ می‌کردند ...، مقاومت و ایستادگی کردند. پس از دو سال از گذشت انقلاب فشارها، اجبارها و محدودیت‌های قانونی به اوج خود رسید و سرانجام در سال ۱۳۶۲ حجاب اجباری به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. از آن پس درگیری‌ها شدیدتر و زنان حتی به جرم بدحجابی به زندان و محکوم به شلاق در ملأ عام شدند.

تاریخ معاصر ایران مملو از مبارزات تحسین‌برانگیز زنان میهن‌مان است؛ از انقلاب مشروطه گرفته تا مبارزات انقلابی علیه دیکتاتوری خاندان پهلوی و مقاومت علیه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرانجام حضور بی‌نظیرشان در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و در ادامه مبارزه علیه تبعیضات جنسیتی و طبقاتی و سرکوب‌گرانه نظام جمهوری اسلامی. این‌ها همه نشان از نقش فعال و انقلابی

سردار قاسم سلیمانی و از سوی دیگر اعتراضات به حق مردم به عدم شفافیت در اطلاع‌رسانی سران نظام در پی سانحه هوایی هواپیمای مسافربری اوکرائینی و همچنین دورماندن مردم از نمایشات و تظاهرات ۲۲ بهمن و تحریم انتخابات اخیر همه از یک جنس‌اند؛ تبلور مخالفت و انزجار مردم از دو دشمن داخلی و خارجی است. نظام امید داشت تا چهلیم قاسم سلیمانی که با سالروز ۲۲ بهمن مصادف شده بود، «زمینه دیگری برای انگیزه مضاعف مردم» بوجود بیاورد که هم در تظاهرات ۲۲ بهمن شرکت کنند و هم در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که با تحریم گسترده مردم روبرو شد.

اما سیاست تحریم به تنهایی نمی‌تواند چاره ساز باشد. اپوزیسیون ایران بیش از ۴ دهه است که مردم را به تحریم انتخابات فرامی‌خواند، گاه مردم به این فراخوان لبیک می‌گویند، گاه دچار شور و شوق می‌شوند تو گوئی فصل تازه‌ای در زندگی و سرنوشت مردم باز می‌شود. با پایان انتخابات جنب و جوش پایان می‌پذیرد و زندگی روال عادی خود را بازیابی می‌کند. توصیه اپوزیسیون به مردم برای تحریم انتخابات نهایتاً موجب خواهد شد صندوق‌های رأی خالی بمانند. هیأت حاکمه که به هیچیک از موازین اخلاقی و دموکراسی پایبند نیست، صندوق‌های رأی را با آراء قلابی پُر می‌کند که در ایران سابقه ۸۰ ساله دارد. رهایی مردم زجر دیده‌ما از این کابوس وحشتناک، روش‌های مبارزه دیگری را می‌طلبد؛ پایه‌های نظام سرمایه‌داری اسلامی ایران امروز سست و لرزان شده‌اند، ولی تا زمانی که ضربه‌ای ولو خفیف، تا زمانی که تلنگری به آن زده نشود، فرو نخواهد نشست. اگر قرار است که این فروپاشی به نفع توده‌ها سرانجام یابد، باید قبل از هر چیز طبقه کارگر را به حزب سیاسی خود مسلح ساخت، اعتماد توده‌ها و اقشار مختلف جامعه را در مبارزات عملی روزانه جلب کرد که خود بخود به کسب اعتبار طبقه کارگر می‌انجامد. تنها با چنین پشتوانه‌ای می‌توان توده‌ها را سازمان داد و مبارزات آنها را به سرانجام رسانید.

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران

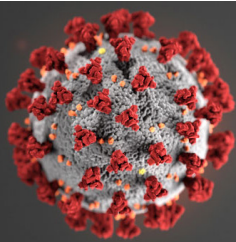
امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

یک ارتجاع، علیه زنان و «علی‌نژاد و ارشاد ارتجاع و انقیاد» با طرفداران تحریم علیه مردم ایران، دخالت دولت‌های خارجی و حمله نظامی به کشور ایران به طور شفاف مرزبندی کردند.

مشکلات زحمتکشان با افزایش نرخ ارز، تورم و گرانی‌های حاصل از تحریم‌ها و ادامه اجرای سیاست‌های نئولیبرالی جمهوری اسلامی، روز به روز وخیم‌تر می‌شود و زنان و مردان کارگر با مسائلی از جمله عدم کفاف دستمزدها و عدم توانایی تهیه ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی از جمله تهیه خوارک، پوشاک، پرداخت هزینه مسکن، خرج تحصیل فرزندان، بهداشت و درمان.. درگیر هستند. در شرایط فعلی کارخانه‌ها و مراکز صنعتی زیادی به دلیل بی‌کفایتی و دزدی‌های مدیران به ورطه ورشکستگی کشیده شده‌اند و از این رو بسیاری از کارگران بیکار شده‌اند و یا به کاهش دستمزد واقعی، عدم پرداخت حقوق‌ها و یا به حذف امکانات رفاهی کارگران منجر گشته‌اند. افزون بر مشکلات طاقت‌فرسا، زنان کارگر ایران روزانه با سیاست‌ها و مصوبات تبعیض‌آمیز درواقع مورد ستم مضاعف واقع می‌گردند. از جمله مشکلات زنان: نرخ بیکاری بالا نسبت به مردان؛ تفاوت فاحش دستمزدها، در برخی کارخانه‌ها زنان یک‌سوم یا حتی یک‌چهارم حداقل مزد آن هم به صورت کارمندی، بدون قرارداد درست و حسابی و در نتیجه عدم بهره‌مندی از حقوق بازنشستگی، بیمه، امکانات ایمنی، بهداشتی و... مشغول به کار می‌مانند. این زنان زحمتکش چون محتاج هستند و هیچ مرجع حمایتی هم ندارند، به استثمار کارفرما تن درمی‌دهند.

حاکمیت جمهوری اسلامی، که امسال در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با ریزش سهمگین آراء روبرو شد، تلاش نمود شکست خود را در پس شیوع بیماری «کرونا» و تبلیغات خارجی پنهان سازد و حتی عدم مشارکت مردم را با عدم مشارکت مردم در غرب مقایسه کرد. اما آنچه رژیم ایران فراموش کرد، این نکته بود که این دولت‌ها در جریان انتخابات خود، «فراندوم یواشکی مقبولیت» به راه نینداختند و به مردم خود نگفتند «هرکس نظام را قبول داشته باشد، رأی خواهد داد». حال با این شکست مفتضحانه رژیم، احتمال می‌رود که هرگونه اعتراض از سوی مقامات نظام سرمایه‌داری حاکم بر کشور سرکوب و رژیم رو در روی مردم قرار خواهد گرفت. هرچند انتظار می‌توان داشت که در شرایط شیوع «ویروس کرونا» برگزاری مراسم روز جهانی زن منحل گردد، اما فریاد پیکار زنان کارگر ایران در همبستگی با زنان کارگر جهان جهت بهبود وضع اقتصادی خویش؛ اتحاد جنبش‌های مبارز جهانی، جهت کسب برابری جنسیتی و حقوق صنفی و سیاسی؛ آزادی فعالان سیاسی؛ محور ستم و فریاد عدالت‌خواهی و آزادی؛ از مسیر دیگری غیر از خیابان‌ها به گوش جهانیان رسانیده خواهد شد. باشد که روز جهانی زن امسال ادامه رزم متحد کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان در راه گسستن زنجیرهای استثمار و رهایی حقیقی زنان باشد. •

زنان ایران در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای برابری حقوق زن و مرد و سایر حقوق دمکراتیک در جامعه بوده است. پر واضح است که سیاست‌های رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در طول چهار دهه اخیر در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و برای احقاق حقوق انسانی خود، مبارزه‌ای رو در رو و نفس‌گیر بوده است. هرچه رژیم بیش‌تر سرکوب کرد، ایستادگی و مقاومت زنان هم بیشتر شد. دختران و زنان با شعار «هیچ جنبش توده‌ای نمی‌تواند بدون زنان وجود داشته باشد»، دوشادوش مردان، در صفوف مقدم تظاهرات، علیه بی‌کاری، نان، عدالت اجتماعی و آزادی قرار گرفتند. اما سال‌هاست زنان مبارز و انقلابی ایران از سوی «اپوزسیون خودخوانده» به عنوان «زنی محجبه، ناتوان در مقابل قوانین متحجر مذهبی» به جهانپایان عرضه می‌شود که «چشم‌انتظار ناجیان حامی حقوق بشر خارجی نشسته‌اند» و «می‌بایست برای رهایی آنان عاجلانه اقدام شود». در اجرای این سناریو واسطه‌هایی به نام خبرنگار و فعال حقوق بشر با سرمایه‌گذاری‌های بیگانگان (خصوصاً امریکا) در نقش فروشنده‌گان داستان «کمک عاجل بشردوستانه برای رهایی» به شبکه‌های مختلف تلویزیونی دنیا دعوت شدند. وظیفه این افراد تبلیغ و جانداختن «ضرورت تحریم و تجاوز نظامی» برای رهایی از شر جمهوری اسلامی است. افرادی چون «مسیح علی‌نژاد» و بی‌سوادان سیاسی چون «شاپرک شجری‌زاده» از دختران و زنان حماسه‌ساز ایران، که با ایستادگی و مبارزه خود در سطوح مختلف برای میهن خود افتخار آفرین هستند، زنانی ساختند که سقف مطالبات‌شان نفی حجاب اجباری حق حضور در استادیوم فوتبال، دوچرخه‌سواری و موتورسواری خلاصه می‌شود و موجوداتی شکننده و بی‌اراده چون گوسفندان قربانی، که برای نجات از موقعیت خویش در انتظار «دخالت مستقیم از خارج» (بخوانید جنگ) نشسته‌اند. اما زنان آگاه و رنج دیده ایران دغدغه‌های دیگری غیر از واسطه‌های تحریم و تجاوز نظامی دارند. زنان هوشیار ایران زمین خیلی پیش از این خودفروختگان دریافتند که تحقق حقوق دمکراتیک آنها از ظرفیت جمهوری اسلامی خارج است؛ پس بر آن شدند تا برای عبور از این سد، متحدانی بیابند که ضمن دفاع از خواست‌های دمکراتیک برای رهایی جامعه از فقر، بی‌کاری، رسیدن به عدالت اجتماعی و آزادی، نیرو و توانایی آنان را باور دارند. آنها دریافتند «ناجیان» خوش خط و خالی که اربابان‌شان در بسیاری کشورها مسبب فقر، جنگ و آوارگی میلیون‌ها کودک و زن و مرد بوده‌اند، نمی‌توانند متحد خوبی برایشان باشند. در راستای مبارزات صنفی و کارگری زنان و مردان اصناف و اتحادیه‌های مختلف همگام با دانشجویان، که خود را فرزندان کارگران نامیدند، به خیابان‌ها آمدند و متحد، فریاد عدالت‌خواهی، حق‌طلبی و رفع تبعیض سر دادند. دانشجویان خصوصاً در اعتراضات دو سال آخر ضمن مبارزه علیه تبعیض جنسیتی به افشای سیاست‌های نئولیبرالی پرداختند و با حاکمیت و جناح‌های مختلف آن خط‌کشی روشنی داشتند. آنها با بلندکردن پلاکاردهایی چون «علی‌نژاد و گشت ارشاد، یکی با دوربین یکی با چماق، دو سوی



ویروس کرونا و حقایق چند در مورد ریاکاری آمریکا!

در جریان تغییر نگاه‌ها به «کرونا» در ژاپن و چین هستی؟

چکیده و ویراسته یادداشت «زینب بهرامی»، دانشجوی بخش اپیدمیولوژی مهندسی محیط‌زیست و سلامت دانشگاه کیوتو و مدرس زبان.

من پزشک نیستم. رشته‌ام اپیدمیولوژی، علم آمار و تحلیل داده‌های وضعیت سلامت و بیماری در یک جامعه و جهان، به‌خصوص بیماری‌های همه‌گیر و شایع است. پس من اطلاعات پزشکی در مورد ماهیت و عملکرد «کرونا» ندارم، اما می‌خواهم از دریچه رشته خودم در موردش صحبت کنم. البته برای این یادداشت، مشورت کاملی با یک پزشک متخصص کردم که این روزها بیمارستان‌اش میزبان افراد مشکوک به «کرونا» و بیماری‌های ویروسی است. همچنین گزارش‌های دکتر «تاکایاما» را خواندم که به‌عنوان پزشک داوطلب به کشتی تفریحی پُر از افراد آلوده به «کرونا» رفته است. دانشگاه ما همکاری نزدیکی با سازمان CDC آمریکا (مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها) دارد. این سازمان تقریباً مادر علم اپیدمیولوژی و تهیه‌کننده مفاد درسی و تحقیقاتی رشته سلامت عمومی است و من اطلاعات یادداشت را از وبسایت این سازمان می‌گذارم. یادتان می‌آید نوشتنم آنفولانزا بسیار خطرناک‌تر از کروناست؟

طی حدود ۲ ماهی که «ویروس کرونا» مطرح شده، شهر بزرگ «ووهان» قرنطینه شده و طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، چند ده‌هزار نفر به این ویروس آلوده شده‌اند، اما تعداد کشته‌ها در کشور یک میلیارد و نیمی چین، کمتر از ۲ هزار نفر و در سراسر جهان، بسیار بسیار پایینی است. (دکتر «توموکی» گفت تعداد زیادی از فوتی‌های چینی، به‌خاطر ضعف نبود، بلکه استرس و وحشت بسیار بالا سیستم ایمنی بدن افراد را از کار انداخته بود!) البته بسیاری از کشورها از جمله ژاپن، سعی می‌کنند به‌خاطر حفظ منافع اقتصادی، آمار و اطلاعات دقیق به افکار عمومی ندهند. پس طبق گزارش WHO و CDC، چنین ویروس کشنده و پرسر و صدایی، در بالاترین آمار، در کل چین و جهان، کمتر از ۲ هزار کشته داشته است. تا اینجا قبول دارید؟

اپوزیسیون وطن‌فروش از «ویروس کرونا» خطرناک‌تر است

روشن است که میان «ویروس کرونا» و تحریم، تهدید و تعرض وجه مشترکی نیست. ولی آنگاه که پای مخالفت با ایران به میان می‌آید، می‌توان وجوه مشترکی یافت. اپوزیسیونی که از سیاست تهدید نظامی و تحریم اقتصادی دفاع می‌کند، اپوزیسیونی است که علی‌الاصول دلش به حال مردم ایران نمی‌سوزد و هیچگاه هم نسوخته است. نگاهی به دلارهایی دوخته شده است که از سوی آمریکا و عربستان و اسرائیل به دامان آنان ریخته می‌شوند، تا بازار تبلیغات و تحریفات را گرم نگاه دارند.

چنین اپوزیسیونی از «ویروس کرونا» هم نمی‌گذرد. با پخش تبلیغات و اخبار جعلی و ساختگی کوشش می‌کند تا از آن وسیله‌ای برای مبارزه و افشای رژیم بهره گیرد. کافیت نگاهی به رسانه‌های وابسته ببیند، تا وسعت این همه دروغ‌گویی و جعل خبر را دریابد. هیچ ایرانی از اینکه چنین ویروسی در کشورش تهدید جدی به حساب می‌آید، خوشحال نیست. کشور ما به دلیل تحریمات کمرشکن که بخش دارویی و پزشکی هم شامل می‌شود، از آن توان لازم برای پیش‌گیری و مبارزه با این ویروس برخوردار نیست. اگر کشوری مانند چین و کشورهای اروپایی با همه نوع امکانات پزشکی با مهار این ویروس با مشکلاتی روبرو هستند، می‌توانیم خوب تصور کنیم که کشوری مانند ایران، که در اثر تحریمات از بنیه دفاعی ضعیفی برخوردار است، با چه مشکلات بزرگ‌تری روبروست. اینکه رژیم ایران قادر به مدیریت بحران نیست، امریست واضح. در هر حادثه طبیعی که رخ داده است، بی‌لیاقتی و سوء مدیریت سران نظام ایران خود را بوضوح نشان داده است. در همه این موارد و در این میان توده عظیم زحمتکش کشورمان هستند که آسیب جدی به آنها وارد می‌آید.

باید جلوی این تبلیغات و جعلیات را گرفت. مبارزه با رژیم با دروغ و جعل خبر سامان نمی‌گیرد، چه بسا به مبارزات مردم نیز ضربه وارد می‌آورد و از حقانیت آن می‌کاهد. باید حقیقت را آنگونه که هست بیان کرد؛ مردم ایران باید در چنین اوضاع و احوالی هم خواهان پایان تحریمات امپریالیستی شوند و هم اینکه رژیم را تحت فشار مستمر قرار دهند تا هم شفاف و روشن با مردم سخن بگویند و هم اینکه دست جامعه پزشکی ایران را برای تحقیقات مستقل باز بگذارد و در امور کارشناسی آن دخالت و کارشکنی نکند. اپوزیسیونی که به هر وسیله‌ای از جمله به «ویروس کرونا» توسل می‌جوید، تا با انتشار جعلیات و دروغ‌پراکنی‌های بی‌حد و مرز به اهداف شوم‌اش برسد، از خود این ویروس خطرناک‌تر است و باید به افشای بی‌امان آن دست زد. •

نامه‌ی شوراهای صنفی دانشجویان کشور به وزیر علوم در خصوص تعطیلی دانشگاه‌ها به دلیل شیوع ویروس کرونا

شوراهای صنفی ۶۷ دانشگاه ایران با صدور بیانیه‌ای مشترک ضمن هشدار درباره امکان شیوع کرونا در میان دانشجویان در صورت ادامه فعالیت مراکز دانشگاهی، از دانشجویان خواستند در صورت عدم تعطیلی از سوی دولت به صورت «خودجوش» به دانشگاه نروند.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
جناب آقای غلامی
با سلام؛

با توجه به شرایط ناگوار شیوع ویروس کرونا در تعدادی از شهرهای کشور که اعلام عمومی دیرنگام آن از سوی مراجع ذی‌ربط پس از فوت چند نفر از هموطنانمان انجام گردید، طبیعتاً تمامی اقشار جامعه و از جمله‌ی آنها دانشجویان، در خطر ابتلا به این ویروس قرار دارند.

نظر به این مهم که انتقال و تکثیر این بیماری در مکان‌های عمومی و پرجمعیت امری بدیهی بوده و جامعه‌ی دانشگاهی نیز در فضایی متراکم قرار دارد، انجام اقدامات و تمهیداتی در این شرایط اضطراری از جانب وزارت علوم ضروری است. زیرا هرگونه تعللی در این امر، بستر وقوع یک اپیدمی فاجعه‌بار را فراهم می‌آورد.

در همین راستا، شوراهای صنفی به عنوان نمایندگان قانونی دانشجویان کشور با توجه به وظیفه‌ی خود در حفظ و صیانت از حقوق دانشجویان، که اساسی‌ترین‌شان حفظ سلامتی آنهاست، از آن وزارت مطالبات زیر را بی قید و شرط و بدون فوت وقت خواهان است:

۱. اعلام وضعیت اضطراری و به تبع آن تعطیلی مراکز دانشگاهی به منظور کاهش تراکم جمعیتی تا کنترل کامل این بیماری در کشور
۲. توزیع مجموعه غذایی و مکمل‌های غذایی برای دانشجویان و پرسنل دانشگاه‌ها
۳. توزیع تجهیزات کمکی برای پیش‌گیری از شیوع و انتقال بیماری مانند ماسک استاندارد، دستکش، ژل ضدعفونی کننده و...

حالا برویم سراغ آنفلوآنزا. به نظر شما «ویروس آنفلوآنزا» فقط در سه ماه اخیر، در کشور آمریکا چند کشته داشته است؟ صد نفر؟ هزار نفر؟ پنج هزار نفر؟ طبق گزارش CDC، در چند ماه اخیر، فقط و فقط در کشور ۳۰۰، ۴۰۰ میلیونی آمریکا، چند ده میلیون مبتلا و بین ۱۲ تا ۱۶ هزار! فوتی داشته است! لطفاً این عدد را چندبار بلند تکرار کنید! باور نمی‌کنید؟ حق دارید! پس این لینک را باز کنید و گزارش دقیق و به‌روز CDC را بخوانید!

- می‌دانستید کشته‌های آنفلوآنزا از هر طیف سنی هستند، اما کشته‌های «کرونا»، طبق گزارش «دکتر تاکایاما»، فقط یک‌درصد از افراد مسن و دارای بیماری‌های زمینه‌ای را شامل می‌شود؟

- می‌دانستید احتمال ابتلای شما به آنفلوآنزا و خدای نکرده مرگ، با تماس با یک آمریکایی، در مقایسه با ابتلا به «کرونا» و تماس با یک چینی یا هر فرد آلوده، چندین ده‌برابر است؟ - آیا پروازهای آمریکا محدود شدند؟

- آیا آمریکا قرنطینه شده؟ - آیا کسی جرأت اعتراض به این وضعیت را دارد؟ به گفته «دکتر توموکی»، همکارم، رسانه‌های دنیا حواس مردم را به «کرونا» منعطف کردند و مردم خطر بزرگ‌تر و جدی‌تر آنفلوآنزا را به کلی فراموش کردند!

- آیا می‌دانستید اقتصاد چین آنقدر بزرگ و قوی است که اگر زمین بخورد، علاوه بر بازشدن راه برای غرب، بسیاری از اقتصادهای آسیا، از جمله همین ژاپن را به ورشکستگی و نابودی می‌کشاند؟

مردم و دولت ژاپن تازه متوجه خطر شده‌اند و سعی می‌کنند هیجان کاذب «کرونا» را کنترل کنند؛ گرچه خیلی دیر است. آمار توریست‌های چینی در تمام دنیا و ژاپن، سقوط کرده است و این یعنی زنگ خطر جدی. بازی‌های المپیک برای ژاپن، به دلیل نبود چین، پُر از خسارت و ضرر خواهد بود. حالا علت مرگ و میر آنفلوآنزا در آمریکا چیست؟ مگر این بیماری دارو ندارد؟ دارد، اما آمریکا یکی از بدترین سیستم‌های خدمات پزشکی و بیمه در جهان را دارد و هزینه‌هایی مثل استفاده از آمبولانس آنقدر قیمت وحشتناکی دارد که گاهی برای خانواده‌ها، مرگ عزیزان، راحت‌تر از استفاده از آمبولانس و خدمات بیمارستانی است! آمار CDC را دوباره نگاه کنید! و وعده‌های کانیداهای آمریکایی برای ارائه خدمات پزشکی و «بیمه برای همه»! در صورتی که در چین کمونیستی، تمام مردم بلااستثناء تحت پوشش بیمه هستند.

من قویاً اعتقاد دارم کشور چین و کلاً مردم دنیا، در بحث بیماری «کرونا»، دچار یک بازی سیاسی اقتصادی بسیار کثیف شده‌اند.

از کانال کیمیای سلامت | مردم و سلامت
لازم به تذکر است که ذکر «چین کمونیستی» در مصاحبه از خانم «زینت بهرامی» است. نظر حزب کار ایران (توفان) نیست. •



چند نکته مؤثر برای پیشگیری از ابتلای به «ویروس کرونا»

«گروه پزشکان ۶۶ دانشگاه تهران»

با توجه به اینکه موثرترین راه برای مقابله با «ویروس کرونا»، پیشگیری از ابتلای به این بیماری است، و درمان قطعی و موثری تاکنون برای آن کشف نشده است، «گروه پزشکان ۶۶ دانشگاه تهران» با هدف کنترل همه‌گیری «ویروس کرونا» در سطح کشور و کاهش خطرات احتمالی، خواسته‌های زیر را از دولت جمهوری اسلامی، مطالبه می‌کند:

۱- پیشنهاد می‌شود، تمام مقاطع تحصیلی از مهد کودک، مدارس و دانشگاه‌ها تا پایان تعطیلات عید با هدف پیشگیری از انتشار ویروس تعطیل گردند.

۲- تمام اعمال پزشکی غیراورژانس با هدف پیشگیری از انتشار ویروس و اختصاص امکانات به کنترل بیماری، در صورت امکان، با تأخیر انجام شوند.

۳- فعالیت تمام اماکن عمومی از قبیل سینماها، تئاترها، باشگاه‌های ورزشی، استادیوم‌ها تا پس از تعطیلات عید به تأخیر افتد.

۴- تمام سفرهای غیرضروری حذف شوند. در صورتی که سفر اجتناب‌ناپذیر باشد، استفاده از وسایل نقلیه خصوصی بجای عمومی توصیه گردد.

۵- تعداد کارمندان ادارات، با دادن مرخصی اجباری به سایرین، به حداقل‌های مورد نیاز و ضروری کاهش یابد.

مثلن تعداد کارمندان هر شعبه بانک در بازه زمانی مربوطه به

۴. معاینه‌ی پیشگیرانه‌ی دانشجویان در مراکز بهداشت دانشگاه و یا بیمارستان‌های تحت قرارداد.

۵. انجام ضدعفونی کامل در محیط‌های خوابگاهی، دانشکده‌ها، سرویس‌ها و

شوراهای صنفی امضاکننده‌ی نامه:

۱. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان ۲. دانشگاه آموزش عالی بم ۳. دانشگاه نوشیروانی بابل ۴. دانشگاه سمنان ۵. دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۶. مرکز آموزش عالی استهبان ۷. دانشگاه مالک اشتر اصفهان ۸. دانشگاه یاسوج ۹. دانشگاه صنعتی شیراز ۱۰. دانشگاه صنعتی خواجه نصیر ۱۱. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری ۱۲. فعالین صنفی دانشگاه صنعتی ارومیه ۱۳. شورای صنفی خوابگاه‌های سطح شهر دانشگاه تهران ۱۴. دانشگاه گیلان ۱۵. دانشگاه صنعتی همدان ۱۶. دانشگاه علم و صنعت ۱۷. دانشگاه دامغان ۱۸. دانشگاه بیرجند ۱۹. دانشگاه کردستان ۲۰. دانشگاه خوارزمی ۲۱. فعالین صنفی دانشگاه تربیت مدرس ۲۲. دانشگاه علم و فناوری مازندران ۲۳. دانشگاه شیراز ۲۴. دانشگاه صنعتی سهند ۲۵. دانشگاه جامع علمی کاربردی مشهد ۲۶. فعالین صنفی دانشگاه الزهرا تهران ۲۷. دانشگاه فرهنگیان ۲۸. دانشگاه گناباد ۲۹. دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر ۳۰. مرکز آموزش عالی کاشمر ۳۱. فعالین صنفی دانشگاه شهرکرد ۳۲. دانشگاه گرمسار ۳۳. دانشگاه صنعتی شاهرود ۳۴. دانشگاه تهران ۳۵. دانشگاه سلمان فارسی کازرون ۳۶. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان ۳۷. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین ۳۸. دانشگاه ایلام ۳۹. دانشگاه صنعتی اصفهان ۴۰. دانشگاه هنر تهران ۴۱. دانشگاه علامه طباطبائی تهران ۴۲. دانشگاه اصفهان ۴۳. دانشگاه تفرش ۴۴. دانشگاه لرستان ۴۵. دانشگاه یزد ۴۶. دانشگاه کوثر بجنورد ۴۷. دانشگاه صنعتی کرمانشاه ۴۸. دانشگاه زنجان ۴۹. دانشکده شهید شمس‌پور تهران (دانشگاه فنی و حرفه‌ای) ۵۰. دانشگاه غیرانتفاعی شمال ۵۱. دانشگاه صنعت نفت آبادان ۵۲. دانشگاه رازی کرمانشاه ۵۳. دانشگاه اراک ۵۴. دانشگاه صنعت نفت اهواز ۵۵. شورای صنفی دانشگاه نیشابور ۵۵. دانشگاه زابل ۵۶. فعالین صنفی دانشگاه بجنورد ۵۷. دانشگاه گلستان ۵۸. دانشگاه ملایر ۵۹. دانشگاه هنر تبریز ۶۰. دانشکده فنی انقلاب اسلامی ۶۱. دانشگاه بوعلی (تعدادی از واحدها) ۶۲. دانشگاه محقق اردبیلی ۶۳. دانشگاه جهرم

این لیست به روز رسانی خواهد شد ...

**با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز
انقلاب مبارزه کرد**



بودجه ۹۹، تورم و فقر بیشتر، برای کارگران و زحمتکشان و چپاول بیشتر اموال عمومی توسط حاکمان دزد!

آقای روحانی لایحه بودجه را با عنوان «بودجه استقامت و مقابله با تحریم» به مجلس ارائه داد:

«لایحه بودجه سال آینده، بالغ بر ۱۹۸۸ هزار میلیارد تومان است، که نسبت به سال جاری، ۱۴ درصد افزایش نشان می‌دهد. همچنین بودجه عمومی دولت در سال آینده به ۵۶۳ هزار میلیارد تومان رسیده که تنها ۲۵ درصد آن را بودجه عمومی تشکیل داده و باقی به شرکت‌ها و بانک‌های دولتی اختصاص یافته است. براساس داده‌های آماری، که از صورت‌های مالی بانک‌های کشور استخراج شده، مانده مجموع تسهیلات و تعهدات کلان ۱۵ بانک کشور به ۴۵۶ شخص حقیقی و حقوقی در نیمه اول سال جاری حدود ۳۶۳ هزار و ۳۸۵ میلیارد تومان بوده است.

در متن لایحه بودجه ۹۹ به منظور تأمین کسری بودجه قرار است حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان اموال منقول و غیرمنقول فروخته شود که تأکید شده بدون رعایت تشریفات این اموال به فروش گذاشته شود. این اموال شامل ساختمان‌ها و تأسیسات، اراضی، ماشین‌آلات و تجهیزات دستگاه‌ها، پادگان‌ها، خانه‌های سازمانی، اراضی عشایری، زندان‌ها، انبارهای ذخیره علوفه و منابع حاصل از تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام است. علاوه بر آن، فروش اوراق قرضه به میزان ۸۰ هزار میلیارد تومان و برداشت از

نصف کاهش پیدا کند.

۶- توصیه به تعطیلی موقت تمام جشن‌ها و مراسم خانوادگی و دید و بازدیدها و همچنین مراسمات مذهبی عمومی از قبیل عزاداری‌ها، جشن‌ها و انواع نمازهای جماعت و زیارت‌ها.

۷- ماسک و مواد ضدعفونی کننده به میزان مورد نیاز تهیه و در صورت امکان، رایگان توزیع گردند.

۸- رستوران‌ها فقط حق توزیع غذای بیرون داشته باشند.

۹- ضدعفونی سطوحی که در معرض تماس عمومی قرار دارند در بازه‌های زمانی مشخص، انجام گیرد. (مانند فضاهای در معرض تماس اتوبوس، مترو)

۱۰- از پتانسیل‌های صدا و سیمای کشور برای آموزش موثر در حوزه پیش‌گیری و کاهش آسیب‌ها و عوارض به نحو مطلوب استفاده گردد.

۱۱- دانشجویان و کارآموزان گروه‌های پزشکی و پیراپزشکی با هدف کاهش احتمال مخاطرات کادر پزشکی غیرموثر بر درمان تا پایان تعطیلات عید تعطیل گردند.

۱۲- ساعت کاری ادارات، بانک‌ها، بازار، شرکت‌ها و کارخانجات طی این دوره زمانی کاهش یابد.

۱۳- ادارات مالیاتی مکلف گردند، مساعدت لازم را نسبت به کاهش مبلغ مالیات بر درآمد، طی دوره مذکور داشته باشند.

پزشکان ۶۶ دانشگاه تهران با علم و آگاهی از عوارض اقتصادی نامطلوب این پیشنهادات و با این نگرش که این عوارض نامطلوب در قیاس با نابودی جان انسان‌ها بیشتر نیست، این موارد را از دولت جمهوری اسلامی ایران تقاضا می‌نماید و برای کاهش این عوارض، از متخصصین و اقتصاددانان تقاضای یاری می‌کند.

یکم اسفندماه ۱۳۹۸ •



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

بودجه سال ۹۹ می گوید:

«متأسفانه دولت محترم به همان سنت معلوف ۳۰ ساله تمسک کرده و با انتخاب عناوین زیبا برای کارهای زشت، در واقع عدم آمادگی مطلق خود برای اصلاح هر نوع جهت گیری را به نمایش گذاشته است. بنابر سنت معلوف در اقتصاد رانتی، اضافه گویی های غیرمعارف درباره چشم انداز درآمدهای انتظاری است که به اعتبار این درآمدهای واهی هزینه هایی را نیز در نظر می گیرند که خود آن هزینه ها برجسته ترین نماد استمرار یک مشکل ساختاری و بنیادی یعنی دست نزدن به ترکیب هزینه ها و نامربوط نگه داشتن هزینه ها با عملکردها است. بودجه ۹۹ آمیزه ای از آینده فروشی، خام فروشی و مال فروشی است. درواقع بی سابقه ترین سطوح مطالبه مجوز برای بدهی ارزی و ریالی در این سند مشاهده می شود که اسم آن آینده فروشی است. اینها می خواهند ایران بین زمین و آسمان بماند، بدهی هایش افزایش یابد و دارایی های استراتژیک آن به صورت مشکوک و غیرشفاف به حراج و حتی تاراج گذاشته شود، تا اینها با حفظ ظاهر و آبرومندانه کار را به دولت بعدی بسپارند در حالی که توجه ندارند که پس از این دولت قرار است کشور ایران، مردم آن و توسعه خواهی باقی بماند. رقم دیگر بودجه که فاجعه آفرینی آن از سه موضوع مطرح شده، کمتر نیست، نظام مالیات ستانی است که در این سند دیده می شود. در حالی که شاهد بی سابقه ترین شرایط رکود عمیق یافته در کشور هستیم، تولیدکنندگان کشور یکی از بدترین ایام تاریخی خود را می گذرانند، کارگران و کارمندان بی دفاع ترین و مظلوم ترین گروه های اجتماعی هستند، ساختار مالیات ستانی کشور که در سه دهه گذشته در راستای تشویق رانت خواران و واردکنندگان بوده هیچ تکانی نخورده و حرکت رو به جلوی در آن مشاهده نمی شود. بنابراین این فشارها روی گرده تولیدکنندگان و حقوق بگیران هنوز باقی مانده است که می تواند هزینه های سنگینی را به آینده کشور بار داشته باشد».

دکتر راغفر استاد اقتصاد نیز در مصاحبه با ایلنا در مورد لایحه بودجه ۹۹ چنین می گوید:

«دولت برای جبران درآمدهای نفتی خود، سه دسته اقدام یعنی استقراض، حراج دارایی ها و اخذ مالیات از مردم را در دستور کار قرار داده است که پیامد این استقراض و فروش دارایی تورم بالا و تنگنای مالی بخش خصوصی است چون وقتی تورم رشد کند، تقاضای بخش خصوصی برای نقدینگی نیز افزایش می یابد که نتیجه آن نیز تعطیلی یا کاهش فعالیت بنگاه های تولیدی است. از سویی تحقق درآمدهای نفتی و مالیاتی نیز با این شرایط غیرقابل ممکن است که منجر به ایجاد کسری بودجه و در نتیجه استقراض، افزایش نرخ ارز، قیمت حامل های انرژی یا کالاهای دولتی می شود بنابراین با در نظر گرفتن این موارد می توان لایحه بودجه را بی ثبات ساز و بحران آفرین دانست. دولت اگر نرخ ارز را از ۳۵۰۰ تومان به ۱۳ هزار تومان

صندوق توسعه به میزان ۳۰ هزار میلیارد تومان و موقوف کردن بدهی دولت به دولت های بعدی و انباشت آن است».

فروش اموال منقول و غیرمنقول به معنای خصوصی شدن دارایی های عمومی است که تا قبل از اجرای این سیاست منابع و مالکیت آن متعلق به مردم بوده باشد؛ اما دیگر مردم نه در مالکیت و نه در منافع حاصل از آن هیچ سهمی ندارند. همچنان که پیگیری این چپاولگری را در سیاست های واگذاری خصوصی سازی شرکت های دولتی، کالایی سازی آموزش و تجاری سازی بهداشت و درمان دیده ایم و با توجه به سیاست گذاری بودجه با شدت تداوم خواهند داشت.

در این لایحه، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم بودجه ۱۵۰ میلیارد تومانی اش را حفظ کرد و با افزوده شدن ۱۰ میلیارد تومان به بودجه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بودجه پیشنهادی این نهاد به ۲۳۰ میلیارد تومان رسیده است. همچنین جامعه المصطفی العالمیه هم با ۵ میلیارد تومان افزایش بودجه، در صورت تصویب ۳۰۸ میلیارد تومان دریافت می کند. به جز این سه نهاد عقیدتی - فرهنگی بزرگ، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا دفتر نمایندگی رهبری در دانشگاه ها و سازمان صدا و سیما با کاهش بودجه رو به رو هستند. برای نمونه شورای عالی حوزه های علمیه که در سال جاری بودجه مصوب ۴۵۸ میلیارد تومانی داشته، اکنون با درخواست بودجه ۳۴۵ میلیارد تومانی رو به روست. سازمان تبلیغات اسلامی هم کاهش بودجه ۱۳۴ میلیارد تومانی داشته و بنابر درخواست دولت قرار است ۵۱۴ میلیارد تومان دریافت کند. مرکز خدمات حوزه علمیه ۶۰۰ میلیارد تومان. حق بیمه طلاب و روحانیون غیر شاغل ۲۹۶ میلیارد تومان. شورای سیاست گذاری حوزه علمیه خاوران ۲۵۸ میلیارد تومان. نهاد رهبری در دانشگاه ها ۱۲۹ میلیارد تومان. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۴۷ میلیارد تومان. مجمع جهانی اهل بیت ۴۷ میلیارد تومان. صندوق توسعه فرهنگ قرآنی ۴۰ میلیارد تومان. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ۳۷ میلیارد تومان. نشر آثار خمینی ۲۶ میلیارد تومان. راهیان نور ۲۲ میلیارد تومان. آستان مقدس امام خمینی ۱۸ میلیارد تومان. ستاد اقامه نماز ۱۸ میلیارد تومان. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی ۱۶ میلیارد تومان. مراسم ارتحال امام ۹ میلیارد تومان.

به این ترتیب دولت با پرداخت ۳۱۲۸ میلیارد به نهادهای انگل مذهبی نام «بودجه استقامت و مقابله با تحریم» نیز بر لایحه خود می گذارد. باید به این نکته نیز اشاره کرد که این مبلغ بخش بسیار کوچکی است از درآمدهای بسیار کلان انحصارات آستان قدس رضوی و شاه چراغ و معصومه و عبدالعظیم و ده ها امامزاده و زمین های وقفی در سراسر ایران و ده ها بنیاد و هزاران صندوق و بانک که بدون هیچ حساب و کتاب و پرداخت مالیاتی به جیب اشرفیت آخوندی دزد و انگل سرازیر می شود. دکتر فرشاد مومنی استاد اقتصاد در مصاحبه با ایلنا در مورد



بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در مورد دستمزد سال ۹۹

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

تورم افسار گسیخته و افزایش نابهنگام قیمت بنزین در سالی که گذشت، مستقیماً سفره‌ی خالی کارگران را نشانه رفت. کاهش دستمزد حقیقی کارگران به چندین مرتبه زیر خط فقر در حالی صورت گرفت که حتی بدون وجود چنین تورمی نیز دستمزد کارگران به هیچ عنوان کفاف تهیه‌ی الزامات ابتدایی معاش از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، بهداشت و درمان و امکانات رفاهی را نمی‌داد.

اما این وضعیت نه یک پدیده‌ی طبیعی است و نه برای همه‌ی طبقات اجتماعی یکسان است. بلکه در سوی مقابل چنین فقر تحمیلی بر کارگران، سرمایه‌داران و مدیران حلقه به گوش آنها ایستاده‌اند، که سودهای کلان حاصل از کاهش دستمزد حقیقی کارگران را در قالب درآمدهای میلیاردی و حقوق‌های چند ده میلیونی بین خود تقسیم می‌کنند. این در حالی است که اقتصاددانان و اتاق‌های بازرگانی دائماً اعلام می‌کنند که توان پرداخت مزد بیشتر را ندارند. درآمدهای میلیاردی و حقوق‌های چند ده میلیونی خود گواه دروغ بزرگ آنان است.

نظریه‌پردازان و سیاست‌مداران سرمایه، بویژه دولت حامی آنها، تنها به چنین دروغ‌هایی اکتفا نمی‌کنند و با ترفندهای مختلف تلاش می‌کنند که دستمزدها را به انحاء مختلف در پایین‌ترین سطح نگه دارند؛ ترفندهایی از قبیل خروج بخش‌های مختلف از شمول قانون کار، از بین بردن امنیت

افزایش نمی‌داد، الان هم لازم نبود نرخ بنزین را افزایش دهد یا حتی کسری بودجه هم نداشت.

سال‌ها است که این سیاست‌ها را نقد کرده‌ایم، بطوری که وقتی در سال ۱۳۸۹ قیمت حامل‌های انرژی را افزایش دادند، بسیاری از کارشناسان اخطار دادند که این موضوع منجر به بی‌ثبات‌سازی زندگی مردم و ناآرامی‌های اجتماعی می‌شود. البته در سال ۱۳۹۰ سخنگوی دولت وقت از همکاری مردم تشکر کرد، مبنی بر اینکه هیچ اعتراضی رو نداد که بنده در آن زمان پاسخ دادم؛ اعتراض شد، اما شما متوجه نشدید. اعتراض که تنها آتش‌زدن پمپ بنزین نیست، رشد کارتون‌خواهی، خشونت، خودکشی و فرار مغر‌ها نیز اشکال مختلف آن هستند که اتفاقاً از همان سال رشد بی‌سابقه داشتند. بنابر این در مجموع این بودجه را می‌توان بی‌ثبات‌کننده دانست و اگر از ثروتمندان و شبه دولتی‌ها مالیات گرفته نشود و معافیت‌های مالیاتی را نقض نکنند، باید انتظار ناآرامی‌های گسترده‌تری در سال‌های آینده را داشته باشیم.

با طرح و انتشار چنین بودجه‌ای از پیش روشن است که تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال آینده آن هم بدون حضور مستقل اتحادیه کارگری و نمایندگان واقعی مزدبگیران چه سرنوشتی در انتظار زحمتکشان جامعه است. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که دولت سرمایه‌داری ولایی نئولیبرال نه می‌خواهد و نه می‌تواند به نفع کارگران گامی بردارد. این آقایان خود مسبب و ریشه‌های فقرند. تنها با تشکیل اتحادیه‌های نیرومند مستقل کارگری و تحمیل این اتحادیه‌ها بر بزرگ‌ترین کارفرمای کشور، یعنی دولت حامی سرمایه‌دار می‌توان گام موثری برای تعیین دستمزد و احقاق دیگر مطالبات رفاهی اجتماعی برداشته شود. افزایش دستمزدها در حد ۱۵ درصد، نه تنها به‌هیچوجه تکافوی هزینه خانوارهای کارگری و نیروی کار را نمی‌کند و نیازمند افزایش‌های جهشی بسیار بالاتر است، بلکه کارگران و زحمتکشان را هنوز عمیق‌تر به ورطه فقر می‌کشانند. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است! •



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات اعتراضات کارگری بهمن ماه ۱۳۹۸

انتخابات مجلس یازدهم و تلاش برای فریب و به دست آوردن رأی مردم دو صد چندان شد. ولی کارگران، زحمتکشان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و جوانان، با تجربه‌ای که در این ۴۱ سال حکومت آخوندی سرمایه‌داری و نیز تجربه دوران آریامهری به دست آورده‌اند، می‌دانند که در مجلس سرمایه‌داران مستبد، قانونی به غیر از خصوصی‌سازی و همراهی با تشکلات مالی امپریالیستی و ضدیت با کارگران، زنان و جوانان، قانونی به غیر از دشمنی با بازنشستگان و پیشکسوتان و ... تصویب نمی‌شود و نتیجه‌ای جز بیکاری، گرانی، بی‌آبی، بی‌خانمانی و ... ندارد. می‌دانند که می‌بایست انتخابات را تحریم و علیه سیاست‌های ارتجاعی و سرکوب‌گرانه و غارت‌گرانه نظام فاسد اسلامی به‌پاخیزند و با یک نه بزرگ و یک رفتارندوم عمومی کلیت نظام را به چالش گرفت. ملت با یک تحریم عمومی سیلی محکومی بر صورت رهبر و کل نظام فرود آورد.

تمامی تشکلات مستقل کارگری و مردمی و تمامی روشنفکران و فرهیختگان طبقه کارگر متحد و هم‌نظر این انتخابات فرمایشی و تقلبی را، که مجلسی ضد مردمی به وجود خواهد آورد، تحریم کردند و در عین حال متذکر شدند که تحریم انتخابات و مخالفت با این نظام به هیچ‌وجه همراهی و هم‌گامی با دیگر دشمنان ایران و مردم ایران نیست و مردم مبارز و انقلابی ایران علیه تمامی دشمنان ریز و درشت داخلی و خارجی و عوامل و جیره خوارانشان به مبارزه خواهند پرداخت.

در بهمن ماه نیز اعتراضات کارگری ادامه یافت که در ذیل به بخشی از آن نگاهی می‌اندازیم.

شغلی از طریق شرکت‌های پیمان‌کاری نیروی انسانی، برقراری طرح کارورزی، استاد شاگردی و نهایتاً در جدیدترین ترفند تلاش برای برقراری دستمزد منطقه‌ای. تجربه ما کارگران نشان داده تشکلهای فرمایشی و دست‌ساز دولت نه می‌خواهند و نه می‌توانند که به نفع کارگران وارد چانه زنی با دولت و سرمایه‌داران شوند. چرا که این به اصطلاح تشکلهای نه متکی بر کارگران و نه برآمده از مبارزات آنان، بلکه مزدبگیران سرمایه‌داران و ابزار سرکوبی در دست دولت هستند که همیشه علیه کارگران و به عنوان ترمزی در مبارزات آنان نقش ایفا کرده‌اند. مطرح‌ترین این حامیان سرمایه در لباس کارگران همان «شوراهای اسلامی کار» و «خانه کارگر» (بخوانید خانه سرمایه) هستند. در سال‌های گذشته شاهد بودیم کارگرانی همچون هپکو اراک کارگران آذربایجان و نیشکر هفت تپه و چادرملو و... برای رسیدن به مطالبات‌شان و حقوق معوقه تنها از راه تجمعات اعتراضی و ایستادگی و مقاومت توانستند به حداقل معوقات عقب‌افتاده دست پیدا کنند. لذا راه رسیدن به دستمزدی عادلانه تنها با ایجاد تشکلهای مستقل کارگری برآمده از محیط کار (سندیکاها یا کارگری) است. به نظر ما و بنابر تجربه خود در محیط کارمان، کارگران باید با ایجاد سندیکاها به عنوان دژی در نبرد علیه سرمایه‌داران و دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور، برای تعیین دستمزد و احقاق دیگر مطالبات‌شان کوشش کنند.

در این راه باید از تمام ظرفیت‌های اجتماعات اعتراضی و اعتصاب استفاده کرد و از هیچ کوششی دریغ نکنند، چرا که صاحبان قدرت هیچ برنامه اقتصادی، که بتواند شرایط و وضعیت اسفبار معیشتی کارگران را بهبود بخشد، ندارند.

سندیکای کارگران شرکت واحد همچون گذشته برای دفاع از حقوق حقه کارگران از جمله تعیین حداقل دستمزد تلاش می‌کند و در برابر ظلم و ستم و بی‌عدالتی‌ها بر کارگران سکوت نخواهد کرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، ضمن محکوم کردن احکام سنگین زندان علیه آقایان «حسن سعیدی» و «سید رسول طالب مقدم»، دو عضو سندیکا، خواستار آزادی و توقف برخوردهای پلیسی و امنیتی با دیگر فعالین صنفی کارگران و معلمان و دانشجویان و فعالین مدنی می‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
۲۷ بهمن ۹۸ •

چاره رنجبران وحدت و تشکلات است

زندانیان اعتراضات کارگری

تعدادی از اعضا و دبیران کانون نویسندگان با خانواده «ندا ناجی» دیدار کردند و بازداشت و زندانی کردن تمامی دستگیرشدگان روز جهانی کارگر و دیگر فعالین صنفی دربند را محکوم ساختند.

سندیکای کارگران شرکت واحد نیز در بیانیه‌های متعدد، بازداشت و محبوس ساختن دستگیرشدگان روز جهانی کارگر و دیگر فعالین صنفی را محکوم کرده است.

۱ بهمن

«آینشا اسدالهی» با گذراندن دوران محکومیت خود امروز یکم بهمن از زندان اوین آزاد شد.

«محمود بهشتی لنگرودی»، معلم زندانی، به مرخصی آمد. به امید آزادی یاران دربند!

ماموران امنیتی با یورش به منزل شخصی «جعفر ابراهیمی»، بازرس شورای هماهنگی، منزل وی را تفتیش کردند.

۲ بهمن

پس از شصت و شش روز بازداشت غیرقانونی، «سها مرتضایی» نهایتاً به قید وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان شهر ری آزاد شد.

۵ بهمن

«محمد حبیبی»، معلم زندانی، با دستور مستقیم دادستان به زندان تهران بزرگ منتقل شد. این انتقال نابهنگام در حالی صورت می‌گیرد که بر اساس حکم دادگاه می‌بایست «محمد حبیبی» مانند دیگر زندانیان سیاسی، دوران حکم حبس خود را در زندان اوین بگذارند. همچنین هیچیک از دیگر زندانیان سیاسی اوین منتقل نشده‌اند و اجرای این حکم به صورت اختصاصی و در ادامه فشار بر این فعال صنفی صورت گرفته است.

۶ بهمن

«جعفر ابراهیمی»، عضو کانون صنفی معلمان تهران و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، پس از ۳۱ روز بازداشت از بند امنیتی زندان گوهردشت کرج با قید وثیقه آزاد شد.

۲ بهمن

دیدار «اسماعیل بخش» از «محمد خنیفر» در بیمارستان. هر دو کارگر محکوم سیاسی بی‌دادگاه جمهوری اسلامی و با وثیقه آزاد هستند و «محمد خنیفر» به تازگی در تصادفی زخمی شد.

ششمین جلسه دادگاه «اسکندر لطفی»، معلم و عضو کانون صنفی معلمان کردستان/مریوان، در شعبه ۱۰۴ جزایی سندج برگزار شد. در جلسه دادگاه ده‌ها نفر از معلمان مریوان و سندج حضور یافتند. بیش از ۵۰ نفر از معلمان شهرستان مریوان که برای حمایت از او و سایر فعالان صنفی، خود را به شهر سندج رسانده بودند، بعد از تجمع در محوطه دادگاه، به همراه

جمعی از معلمان سندجی به سالن دادگاه در شعبه ۱۰۴ جزایی سندج رفتند. درود بر معلمان آزاده که مبارزان خود را تنها نمی‌گذارند!

۸ بهمن

جمعی از فعالان صنفی معلمان با «جعفر ابراهیمی»، عضو کانون صنفی معلمان تهران و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، دیدار کردند. فعالان صنفی در این دیدار بر آزادی دیگر معلمان در بند و توقف پروژه پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی تأکید نمودند.

۹ بهمن

هفت فعال صنفی فرهنگیان، با نام‌های «محمد رضا رمضان‌زاده»، «حسین رمضانپور»، «حمیدرضا رجایی»، «علی فروتن»، «مصطفی رباطی»، «سعید حق‌پرست» و «حسن جوهری» از سوی شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ شهرستان بجنورد و همچنین دادگاه انقلاب شهرستان بجنورد، در مجموع به تحمل ۴۱ سال و هشت ماه زندان، ۲۲۲ ضربه شلاق و ۳ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شدند. در این رابطه تشکلهای مستقل فرهنگیان و دیگر زحمتکشان و فعالان طبقات زیرینی جامعه از جمله «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، کانون معلمان همدان، انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، کانون صنفی فرهنگیان استان بوشهر، کانون صنفی معلمان خوزستان، کانون صنفی فرهنگیان یزد، کنشگران صنفی آموزش فارس و دیگر تشکلات فرهنگیان و اصناف دیگر ...» در اطلاعیه‌های مختلف احکام صادره برای معلمان آزاده خراسان شمالی را محکوم ساختند.

۱۲ بهمن

«محمود بهشتی لنگرودی» بعد از پایان مرخصی چند روزه، به زندان اوین بازگشت.

۱۶ بهمن

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۳ تن از کارگران کارخانه سیمان کارون به نام‌های «فرشاد خدادادیان طاغونک»، «خرم آقاییگی» و «امین حاتمی» برگزار شد. طی این جلسه، اتهامات واهی مطروحه علیه این سه کارگر با توجه به عدم وجود ادله در خصوص اتهامات انتسابی رد شده است. احضار این کارگران در پی اعتراض مدیران این کارخانه به رأی دادگاه، مبنی بر براءة آنها در جریان پرونده اعتصابات سال ۹۵ صورت گرفته بود.

۱۷ بهمن

کارفرمای شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نسبت به احکام براءة شش کارگر شرکت، که پیش‌تر از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان شوش صادر شده بود، اعتراض نمود و پرونده جهت رسیدگی به تجدیدنظرخواهی کارفرما،

«محمد تقی فلاحي» دیدار کردند.

در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست «افشاری» دادگاه «رهام یگانه»، دانشجوی سینما دانشگاه سوره و «فرید لطف آبادی» و «هیراد پیربداغی» برگزار شد.

۲۱ بهمن

«سپیده قُلیان» با قرار کفالت ۱۸۰ میلیونی بطور موقت آزاد شد. «بهاره هدایت»، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران، ظهر امروز پس از احضار به حراست این دانشگاه ناپدید شده است.

«عادل گرجی»، دانشجوی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران، در دادگاه انقلاب تهران به حبس و کار اجباری در دانشگاه محکوم شد. «عادل گرجی» به اتهام واهی «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» به ۴ ماه حبس تعزیری، ۳ ماه فعالیت رایگان در معاونت آموزش دانشگاه آزاد و ۲ سال ممنوعیت از فعالیت و عضویت در احزاب محکوم شده است.

۲۶ بهمن

«رضا دبیران»، از کارگران هفت تپه به اتهام واهی نشر اکاذیب بازداشت و به زندان دزفول منتقل شد. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت و پرونده سازی کارگران را محکوم کرد و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط «رضا دبیران» شد.

۲۷ بهمن

«محمد تقی فلاحي»، دبیر کل کانون صنفی معلمان استان تهران، با قید وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین به صورت موقت آزاد شد.

۲۸ بهمن

«بهاره هدایت» را در دفتر حراست دانشگاه کتک زده اند، با زور سوار ماشین کردند و به بازداشتگاه وزرا بردند. سه روز اعتصاب غذای خشک کرد و حالا در اعتصاب غذای تر به سر می برد و با مشکلات حاد معده و دستگاه گوارش در زندان قرچک و با افت فشار و تحلیل قوای جسمانی روبروست.

بی دادگاه کیفری «شهریار محمد اقبالی گلپین»، کارگر بازداشت شده در جریان اعتراضات آبان، را به ۱۱ سال حبس تعزیری ۷۴ ضربه شلاق و یک سال تبعید به شهرستان راسک محکوم کرد.

«بهاره هدایت» با تودیع وثیقه آزاد شد.

اعتصابات، تجمعات و دیگر فعالیت های کارگری

شرکت واحد

۱۸ بهمن

در ادامه نشست های سندیکای کارگران شرکت واحد جلسه ای با حضور تعدادی از اعضای این سندیکا در جهت رسیدگی به

به شعبه ۱۴ دادگاه های تجدیدنظر استان خوزستان ارجاع شده است. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هرگونه پرونده سازی و تهدید کارگران را محکوم کرد و خواهان پایان دادن به پرونده سازی برای کارگران شد. دستگاه قضایی و انتظامی جمهوری سرمایه داری اسلامی همانند کلیت نظام مقدس! علیه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شبانه روز آماده هستند و همه گونه جان فشانی! در راه حفظ سرمایه از خود نشان می دهند. مرگشان باد! که جز سرکوب هنری ندارند!

«اسکندر لطفی»، فعال صنفی معلمان مریوان و عضو شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور، به دو سال حبس محکوم شد.

تجمع انجمن صنفی معلمان شهرستان سقز و زیویه در حمایت از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی. حاضرین با در دست داشتن شعارنوشته هایی خواهان بسته شدن پرونده و لغو احکام صادره علیه اعضای انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی شدند.

۱۹ بهمن

«محمد تقی فلاحي»، دبیر کانون صنفی معلمان تهران، در منزلش توسط مأموران امنیتی بازداشت شد. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) بازداشت غیرقانونی «محمد تقی فلاحي»، دبیرکل این تشکل را محکوم نمود. در بیانیه کانون آمده است «...کانون صنفی معلمان ایران ضمن محکوم نمودن بازداشت آقای فلاحي خواهان آزادی بدون قید و شرط وی است و از تمام توان و پتانسیل خود برای آزادی وی استفاده خواهد نمود. اینک دبیرکل (محمد تقی فلاحي) و سخنگو (محمود بهشتی لنگرودی) و مسئول واحد تشکیلات (محمد حبیبی) و یک عضو هیات مدیره (اسماعیل عبدی) کانون صنفی معلمان ایران (تهران) همزمان و ظالمانه در زندان هستند. این بار اول نیست که کانونی ها با این سطح از سرکوب روبرو شده اند و چون گذشته در سایه حمایت فرهنگیان و مردم شریف ایران و دانش آموزان سربلند و پیروز از این شرایط دشوار عبور خواهند نمود.»

سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت و زندانی کردن اعضای کانون صنفی معلمان را محکوم ساخت و خواستار آزادی معلمان و دیگر فعالین کارگری و مدنی در بند شد.

«هادی تنومند»، فعال کارگری، جهت تحمل ۳ سال و نیم حبس تحمیلی راهی زندان شد. اتهام «هادی تنومند» عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و شرکت در مجمع عمومی کارگران در شهرستان کرج در بهار سال ۱۳۹۱ است. «هادی تنومند» به دنبال شرکت در این مجمع به بوکان برمی گشت که آخر پاییز همان سال دستگیر و محاکمه شد و او به سه سال و نیم حبس محکوم گردید.

۲۰ بهمن

جمعی از اعضای تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با خانواده ای

و دیگر فعالین کارگری و مدنی با خانواده «ندا ناجی» از بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر. سندیکای کارگران شرکت واحد احکام سنگین و ناعادلانه صادره علیه تمامی بازداشتی‌های روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت را بارها محکوم کرد و خواستار آزادی تمامی بازداشتی‌های روز جهانی کارگر و دیگر فعالین دربند است.

فرهنگیان

۲۰ بهمن

انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) در حمایت از «اسکندر لطفی»، عضو انجمن صنفی معلمان کردستان/مریوان، بیانیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است: «... متأسفانه در کشور ما آموزش و پرورش به سان کشتی به گل نشسته‌ای است که امواج ناملایمات و برنامه‌ریزی‌های غلط آنی و احساسی، کمر همت به غرق آن بسته است. ... اقدامات آقایان «لطفی»، «ابراهیمی» و همه‌ی فعالان صنفی تلاش در جهت استیفای حقوق دانش‌آموزان، کودکان کار و اجرای اصول ۳۰ و ۱۵ قانون اساسی و حقوق تضييع شده‌ی فرهنگیان بوده ... ما اعتقاد راسخ داریم که مطمئن‌ترین و اصولی‌ترین راه برای پیشرفت کشور، سعادت، رفاه و اقتدار یک ملت، توسل و تکیه بر آموزش و پرورش خردگراست. ... این شیوه‌ی درپیش گرفته‌شده را محکوم و حق دفاع همه‌جانبه از همکاران آسیب‌دیده را برای خود محفوظ و بر حق می‌داند و یادآور می‌شود در صورت تداوم چنین برخوردهایی با فعالان صنفی، با کنش‌های فرهنگیان روبرو خواهید شد».

۶ بهمن

جمعی از معلمان که طی چند سال گذشته به خارج از کشور اعزام شده بودند و اکنون مأموریت آنها پایان یافته است، برای به نمایش گذاشتن اعتراض‌شان نسبت به عدم پرداخت مطالبات‌شان دست به تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش زدند. معلمان معترض عنوان کردند که تعداد آنها به ۳۵۰ نفر می‌رسد از ۲ تا ۱۰ هزار یورو از وزارت آموزش و پرورش طلب دارند.

۲۰ بهمن

گردهمایی فرهنگیان در برابر اداره کل راه و شهرسازی آذربایجان شرقی، در اعتراض به کلاهبرداری تعاونی مسکن فرهنگیان که ۱۷ سال است پول آنان را گرفته و خانه‌ای تحویل نداده است.

۲۳ بهمن

در پی اعتراض متهمین «محمد رضا بهنام نژاد»، «مریم زیرک» و «سپه‌لا زال بیگی»، سه عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان در قزوین و وکلای آنها به احکام صادره در دادگاه تجدیدنظر، حکم حبس تعزیری به جرمه‌ی نقدی تبدیل شد

تعدادی از مطالبات معوقه کارکنان و کارگران شرکت واحد و دستمزد سال ۹۹ کارگران تشکیل شد. بعد از اعتصابات دی و بهمن ۸۴ سندیکای کارگران شرکت واحد، دفتر سندیکای کارگران شرکت واحد که توسط کارگران خباز در اختیار سندیکای واحد گذاشته بودند، توسط عوامل امنیتی پلمپ گردید و هرگز اجازه بازگشایی دفتر سندیکا از سوی نهادهای امنیتی داده نشد. در طی تمامی سال‌های گذشته جلسات سندیکایی در منازل شخصی کارگران و رانندگان شرکت واحد برگزار می‌شود.

۲۰ بهمن

تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد براساس تصمیمات جمعی این سندیکا مبنی بر پیگیری مطالبات معوقه رانندگان و کارکنان شرکت واحد درخواستی را با امضای صدها تن از رانندگان و کارگران در دبیرخانه شورای شهر به ثبت رساندند. متن اصلی این نامه هفته گذشته از طرف سندیکا به دفتر مدیر عامل شرکت واحد از طریق پست ارسال گردیده است و رونوشت آن را به شهردار و فرمانداری تهران ارسال کردند.

۲۷ بهمن

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در مورد دستمزد سال ۹۹ بیانیه صادر کرد که در آن می‌خوانیم «تورم افسارگسیخته و افزایش نابهنگام قیمت بنزین در سالی که گذشت، مستقیماً سفره‌ی خالی کارگران را نشانه رفت. کاهش دستمزد حقیقی کارگران به چندین مرتبه زیر خط فقر در حالی صورت گرفت که حتی بدون وجود چنین تورمی نیز دستمزد کارگران به هیچ عنوان کفاف تهیه‌ی الزامات ابتدایی معاش از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، بهداشت و درمان و امکانات رفاهی را نمی‌داد. ... تجربه ما کارگران نشان داده تشکیل‌های فرمایشی و دست‌ساز دولت نه می‌خواهند و نه می‌توانند که به نفع کارگران وارد چانه‌زنی با دولت و سرمایه‌داران شوند. ... به نظر ما و بنابر تجربه خود در محیط کارمان، کارگران باید با ایجاد سندیکاها به عنوان دژی در نبرد علیه سرمایه‌داران و دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور، برای تعیین دستمزد و احقاق دیگر مطالبات‌شان کوشش کنند. ... سندیکای کارگران شرکت واحد همچون گذشته برای دفاع از حقوق حقه کارگران از جمله تعیین حداقل دستمزد تلاش کرده و در برابر ظلم و ستم و بی‌عدالتی‌ها بر کارگران سکوت نخواهد کرد. ...»

۳۰ بهمن

حدود صد نفر از اعضای پروژه‌های سپیدار ۲ و ۳، به نشانه اعتراض نسبت به عدم تحویل واحدهای مسکونی، در دفتر تعاونی مسکن تجمع کردند.

دیدار تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد

و فعالان صنفی جمعاً به مبلغ ۱۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان محکوم شدند.

پتروشیمی

۲ بهمن

اعتصاب بیش از دو هزار تن از کارگران و کارکنان پتروشیمی بندر خمینی که از روز سه شنبه اول بهمن ماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، حقوق و مزایا آغاز شده بود، دوم بهمن ماه نیز ادامه یافت. روز گذشته هم مسئولان پتروشیمی وعده‌های زیادی به کارگران دادند، ولی اعتصابیون به حرف‌های بی‌پشتوانه و روش‌های فریب مدیریت کارخانه، به هیچ عنوان باور ندارند.

۶ بهمن

کارگران واحد پتروشیمی اروند که تعداد آنها نزدیک به ۸۰۰ نفر برآورد شده است، در اعتراض به عدم رعایت حق تخصص در طبقه‌بندی مشاغل دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند.

۸ بهمن

کارگران واحد تعمیرات «پتروشیمی اروند» از روز گذشته در اعتراض به رعایت نشدن «حق تخصص در تطبیق مشاغل» دست از کار کشیدند.

۱۰ بهمن

اعتصاب کارگران پتروشیمی بندرامام در اعتراض به کاهش پاداش تولید و توقف پرداخت اضافه کاری‌ها که از اول بهمن ماه آغاز شده است، کماکان ادامه دارد.

۱۲ بهمن

کارگران پتروشیمی اروند، از صبح امروز مجدداً در اعتراض به تصمیم شرکت مبنی بر تغییر وضعیت قراردادی خود به قرارداد حجمی، دست از کار کشیدند و دست به تجمع زدند. کارگران پتروشیمی آپادانا در عسلویه در اعتراض به ۵ ماه حقوق عقب افتاده‌شان، از رفتن سرکار خودداری کردند.

۱۴ آبان

تجمع اعتراضی کارگران بخش‌های تعمیرات و خدمات پتروشیمی اروند، وارد دومین روز خود شد.

بازنشستگان

۱۵ بهمن

بازنشستگان صنعت نفت اراک برای اعتراض به خصوصی سازی و الحاق به صندوق بازنشستگی استان کرمانشاه مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی صنعت نفت در اراک تجمع کردند. حدود چهارصد نفر از بازنشستگان شرکت مخابرات راه دور شیراز در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات‌شان، مقابل

استانداری فارس در شیراز تجمع کردند. این کارگران که از ۱۳ سال قبل بیکار شدند، همچنان به دنبال مطالبات مزدی، سنوات و پاداش خود هستند و طی سال‌های گذشته بارها مقابل ساختمان نهادهای دولتی در استان فارس و تهران تجمع و تحصن کرده‌اند. یادآوری می‌شود که پیش از این، حدود ۳۰۰ نفر از بازنشستگان شرکت مخابرات راه دور شیراز اواخر تیر ماه سال جاری در مقابل وزارت نفت نسبت به عدم دریافت مطالبات ایام اشتغال خود، تجمع اعتراضی برپا کردند.

۱۶ بهمن

حدود ۲۰۰ نفر از کارگران بازنشسته صنایع مخابرات راه دور شیراز، برای دومین روزمقابل استانداری فارس تجمع کردند. کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز خواهان خلع ید از اعضای فعلی هیأت اجرایی شدند.

۲۱ بهمن

جمعی از بازنشستگان شرکت مخابرات راه دور شیراز برای سومین بار به همراه خانواده‌های خود در مقابل استانداری فارس نسبت به عدم دریافت مطالبات ایام اشتغال آنها، که حدود ۱۳ سال از آن می‌گذرد، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

هفت تپه

نوزدهم بهمن

گروهی از کارگران فصلی نی‌ر مجتمع کشت و صنعت هفت تپه در اعتراض به بدهی بیمه‌ای کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی، تجمع کردند.

شهرداری

نهم بهمن

کارگران شهرداری منطقه یک اهواز ششمین روز متوالی از اعتصاب خود را در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه از حقوق‌شان را برگزار کردند. آنها در این مدت از جمع‌آوری زباله‌ها در سطح شهر خودداری کردند. کارگران می‌گویند که در اعتراض به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق، عدم پرداخت حق بیمه کارگران به سازمان تأمین اجتماعی و باطل شدن دفترچه‌هایشان اعتصاب کرده‌اند و تا به دست آوردن خواسته‌هایشان به کار باز نخواهند گشت.

۱۰ بهمن

اعتراضات کارگران شهرداری بندرلنگه نسبت به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و حق بیمه‌شان ادامه دارد.

۲۰ بهمن

جمعی از کارگران شهرداری سریش آباد در شهرستان قروه واقع در استان کردستان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده خود، دست از کار کشیدند و مقابل

ساختمان این شهرداری تجمع کردند.

۳۰ بهمن

شماری از کارکنان منطقه ۳ شهرداری بندرعباس که بیش از ۱۰۰ نفر بودند، در اعتراض به چندین ماه حقوق پرداخت نشده و مطالبات مزدی مقابل درب ورودی استانداری هرمزگان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کارگران دیگر

۳ بهمن

کشاورزان درچه اصفهان در اعتراض به جاده کشی شهری در زمین‌های کشاورزی‌شان اقدام به برپایی تجمع اعتراضی در مقابل شهرداری این شهر کردند. یگان ویژه برای مقابله با اعتراض کشاورزان درچه اصفهان اقدام به حمله به تجمع اعتراضی آنها کردند. در حمله نیروهای یگان ویژه به کشاورزان، بیش از ۴۰ تن از کشاورزان درچه بازداشت شدند. از سوی دیگر و هم‌زمان با تجمع کشاورزان درچه، عده‌ای دیگر از کشاورزان استان اصفهان در مقابل نیروگاه حرارتی اسلام‌آباد اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کشاورزان در اعتراض به ساخت و ساز این نیروگاه در حریم بستر رودخانه تجمع کرده و اقدام به تخریب دیوار ساخته شده توسط نهادهای دولتی کردند.

۵ بهمن

کارگران پیمانکاری شرکت بهاوند باراد از پنجمین روز از تجمع صنفی خود در محل کارگاه خبر دادند.

شماری از کارگران شرکت پیمانکاری تناوب زیرمجموعه شرکت آی‌پی‌ام شاغل در فاز ۱۴ منطقه پارس ۲ شهرستان کنگان، با برپایی یک تجمع اعتراضی در مقابل این شرکت خواستار پرداخت مطالبات خود شدند.

سرویس‌های انتقال کارکنان بندر ماهشهر از دی ماه در حال اعتصاب هستند. حقوق پایین و افزایش قیمت قطعات اتوبوس و دروغ‌های مسئولان باعث نارضایتی شدید شده است.

۶ بهمن

بنا بر خبر دریافتی، کارگران فصلی پروژه آبرسانی سد گاران، بار دیگر در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده از ۴ تا ۶ ماه خود، مقابل فرمانداری مریوان اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند.

۱۲ بهمن

شماری از کارگران خوش‌نوش و کیوان در اعتراض به بیکاری و بی‌توجهی به مطالبات‌شان اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی مشترک در مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی همدان کردند.

۱۳ بهمن

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران آزاد تهران در مورد تعیین حداقل مزد در بیانیه‌ای اعلام داشت که «... نتیجه سه دهه نقض مکرر قانون و اعمال ظلم و بی‌عدالتی در حق مزدبگیران این است که هم اکنون در شرایطی که منابع مختلف میزان خط فقر و معادل ریالی سبد حداقلی کالاهای مورد نیاز معیشت خانواده ۵/۳ نفره را از ۶/۵ تا بیش از ۸ میلیون تومان برآورد می‌کنند و حداقل مزد حتی با اضافه‌شدن تمامی مزایای متعلقه به ۲ میلیون تومان هم نمی‌رسد! تأسف بار این است که مزد دریافتی حدود ۸۰ درصد بیمه‌شدگان حداقل یا نزدیک به همین حداقل است و شرم بیشتر اینجاست که شمار بسیار قابل توجه‌ای از کارگران در شرایطی نامناسب و دستمزدی بسیار کمتر از این حداقل به کار گمارده شده و از پوشش بیمه‌ای و حمایت‌های ناچیز قانونی نیز محروم هستند. حال در شرایطی که روزنامه‌نگاران با قراردادهای موقت کار و در بسیاری موارد حتی بدون قرارداد به کار گرفته شده‌اند و کمترین امنیت شغلی و پوشش‌های بیمه و حمایت قانونی را دارند، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران آزاد تهران خواهان بازنگری اساسی و اصلاح دموکراتیک در ساز و کار تعیین مزد و تصویب حداقل مزدی است، که هزینه‌های یک خانوار را مطابق با حیثیت و کرامت انسانی تامین کند».

شماری از نیروهای طرح شرکت آبفاز خوزستان در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و کم‌بودن حقوق خود دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان این شرکت اقدام به تجمع کردند.

شماری از رانندگان کامیون‌های سایپا دیزل در اعتراض به عدم تحویل خودروهایشان مقابل مجتمع قضاییه تهران اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

۱۴ بهمن

کارکنان کارخانه سیمان ایلام در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پیگیری مشکلات‌شان شدند.

گروهی از کارگران طرحی شرکت آب و فاضلاب روستایی خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد از مهرماه، برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان این شرکت در اهواز تجمع کردند.

۱۵ بهمن

شورای هماهنگی کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن بیانیه‌ای نسبت به پائین بودن حقوق کارگران و کارکنان خط و ابنیه راه‌آهن و پرسنل مهمان‌داران قطار و کارکنان پروژه متروی شهری در شهرهای مختلف صادر کرد.

شورا در بیانیه خود نوشته است: «ما بدین وسیله اعلام می‌کنیم که حقوق کارگران و کارکنان در بخش‌های که اعلام گردیده است، کم و زیر پایه حقوقی می‌باشد؛ به طوری که کارگران با این حقوق و درآمد کم نمی‌توانند معیشت زندگی خود را بگذرانند. لذا ما خواهان افزایش حقوق کارگران در سال ۹۹ به سطح ۵ میلیون هستیم. دولت در سال ۹۸ بدون اینکه سبد

عیدی پایان سال، دست به اعتصاب زدند. اعتراض بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت صنایع چوب و کاغذ چوکا به مطالبات مزدی و عدم ثبات مدیریتی شرکت.

۲۹ بهمن

کارگران شرکت کنتورسازی قزوین در اعتراض به عدم پرداخت بیش از دو سال از حقوق و مطالباتشان، مقابل دفتر امام جمعه قزوین، روبروی مسجد شیخ الاسلام در خیابان شهدا تجمع و تحصن کردند. کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن منطقه لرستان در ادامه اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت چند ماه حقوق، حق بیمه و مطالبات دیگر دست به تجمع مقابل اداره کل راه آهن لرستان زدند.

در پایان، پیروزی مردم در ۲۲ بهمن سال ۵۷، پیروزی بر دشمنان داخلی و خارجی مردم ایران و انسانیت بود که به وسیله روحانیت و بورژوازی تجاری سنتی مصادره شد، ولی مصادره انقلاب باعث نشد، تا مبارزه مردم پایان یابد و هنوز بسیاری از خواستهای انقلاب ۵۷، شعار روز آنان است و کماکان مردم را به مبارزه علیه سرمایه داران داخلی و خارجی می کشاند. بهمن، ماه مبارزه و شهدای بزرگ انقلاب ۵۷، «گل سرخی»، «دانشیان»، «ارانی»، «قاسمی» و تمامی مبارزان و آزادگان ایران است و به همین جهت برای تمامی مبارزان و انقلابیون ارزشمند و قابل احترام است. و از همین رو برای ادامه سنت انقلابیون گذشته و پاسداری از اندیشه های تابناک و «مردم خواهانه و ایران دوستانه» آنان و برای به دست آوردن خواسته های برحق مردم زحمتکش ایران، تمامی تلاش خود را در به وجود آوردن تشکلات مستقل سراسری کارگری به عمل می آورند تا طعم شیرین پیروزی و بهروزی نصیب مردم زحمتکش ایران شود. جا دارد تا با نگاهی به وصیت نامه «گل سرخی»، به آنچه در ذهن انقلابیون می گذشت صحنه بگذاریم و با آنان عهد به بندیم که در همان راه به مبارزه ادامه خواهیم داد. «شما آقایان فاشیست ها، که فرزندان خلق ایران را بدون هیچ گونه مدرکی به قتل گاه می فرستید، ایمان داشته باشید که خلق محروم ایران انتقام خون فرزندان خود را خواهد گرفت؛ شما ایمان داشته باشید، از هر قطر خون ما صدها فدایی برمی خیزد و روزی قلب همه ی شما را خواهد شکافت؛ شما ایمان داشته باشید که حکومت غیرقانونی ایران، که در ۲۸ مرداد سیاه به خلق ایران توسط آمریکا تحمیل شد، در حال احتضار است و دیر یا زود با انقلاب قهرآمیز توده های ستم کشیده ایران واژگون خواهد شد».

این مبارزه پایان نیافته است و تا واژگونی نظام رو به زوال سرمایه داری ادامه خواهد یافت.

وحدت و تشکیلات متحد و سراسری تنها راه پیروزی است! •

کالا را مشخص کند، افزایش حقوق را مشخص کرده بود، که محاسبات حقوقی خیلی از واقعیت دور بوده است». شورای هماهنگی کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن در پایان این بیانیه درخواست های کارگران و کارکنان را به شرح زیر عنوان کرده است
«۱- بیمه درمانی باید پرداخت شود.
۲- حقوق کامل تسویه شود، و هیچ معوقه ای را قبول نمی کنیم (لباس کار و پوتین و دستکش).
۳- قرارداد موقت کنسل شود.
۴- کارگران باید تشکلهای مستقل داشته باشند.
۵- اخراج کارگران تحت عنوان تعدیلی باید کنسل شود.
۶- کارگران در هر زمان حق تجمع و اعتراض نسبت به مشکلات خودشان را داشته باشند».

۱۶ بهمن

کارگران شاغل در شرکت حمل و نقل خلیج فارس در اعتراض به خصوصی سازی و پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود مقابل ساختمان سازمان خصوصی سازی دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۱ بهمن

کارگران اداره آب و فاضلاب روستایی شهرستان های استان ایلام در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و سال ها عیدی دست به تجمع زدند.

۲۶ بهمن

کارگران راه آهن در روستای ایستگاه کشور واقع در استان لرستان، در اعتراض به نداشتن آب به مدت ۱۰ روز، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. کارگران اخراج شده شرکت پخش فرآورده های نفتی ماهشهر، که تعدادشان بیش از ۳۰ نفر است، مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران اخراجی می گویند که از کار اخراج شده اند، تا نیروهای سفارش شده به جای آنها استخدام شوند.

اعتصاب و تجمع رانندگان سیر و سفر فرودگاه خمینی کارگران اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان قزوین در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی خود پس از الکترونیکی کردن عوارضی آزادراه، اقدام به برپایی تجمع اعتراضی در مقابل وزارت راه و شهرسازی در تهران کردند.

۲۷ بهمن

جمعی از کارگران خط سه متروی تهران که در کارگاه ایستگاه نوبنیاد و اقدسیه مشغول به کار هستند، در برابر شورای شهر تهران تجمع کردند. آنها نسبت به عدم پرداخت ۱۸ ماهه حقوق خود از سوی متروی تهران اعتراض داشتند.

پرسنل نگهداری خط و ابنیه فنی لرستان روز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های عقب افتاده و سایر مطالبات از جمله

درصدشان در دوران رضاخان و شصت و هفت درصد در زمان «شاهنشاه آریامهر» بی‌سواد بودند، بر ما حاکم کردند!

در تورات، یَهُوه، خدای یهودیان، به ابراهیم قول می‌دهد که در مقابل ختنه‌شدن فرزنداناش «تمامی این زمین از نیل تا فرات را به نسل تو بخشیده‌ام، که تا ابدالابد بر آن حکومت خواهی کرد. سفر پیدایش، باب پانزدهم».

با توجه به این وعده یَهُوه به قوم اسرائیل، اوانجلیست‌های فاشیست آمریکایی و اروپایی و صهیونیست‌های آدم‌کش عزرائیلی، بر آن شدند که از نیل تا فرات را به اسرائیل بدهند و علاوه بر آن کشورهای خاورمیانه را هم، به مانند یوگسلاوی، تجزیه نمایند. آنوقت و متأسفانه بخش بزرگی از بی‌سوادان سیاسی، از خشم و نفرت به حقی که به رژیم سرمایه‌داری اسلامی حاکم دارند، دل به تبلیغات «ضد رژیم» اجنبی و اجنبی‌پرستان بسته‌اند و نمی‌دانند که جنگ‌افروزان آمریکایی، اسرائیلی و اروپایی، آنان را از چاله به چاه خواهند انداخت. همان گونه که رژیم شاه چاله بود و با تبلیغات و کمک غربی‌ها، مردم ایران به چاه افتادند! می‌ترسم که آیندگان بگویند صد رحمت به خامنه‌ای! چنان که مدتی است می‌گویند صد رحمت به شاه! اکثر بی‌عملان و آدم‌های پاسیواند که به دنبال «ناجی» می‌گردند و فراموش می‌کنند این ضرب‌المثل زیبا و معنی‌دار فارسی را: «کس نخارد پشت من، جز ناخن انگشت من».

خشم مردم آمریکا و جهان از حملات نظامی به خاورمیانه و بویژه آشکارشدن دروغ‌های سردمداران زمان جورج بوش و سگ دست‌آموزش به نام «تونی بلر» در مورد سلاح‌های کشتار جمعی عراق، جنگ‌طلبان آمریکایی، اینبار به ریاست اوبامای مارموزی و هیلاری کلینتون فاشیست را بر آن داشت تا به شیوه دیگری به خاورمیانه یورش ببرند. لذا با کمک خریول‌های منطقه و اردوغان عثمانی فاشیست، دولت اسلامی شام و عراق (داعش) را برای جنگ نیابتی تشکیل دادند و سوریه را به خاک سیاه نشانند. هدف استراتژیکی‌شان، تحقق اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات و سپس تجزیه ایران بود. شکست چنین نقشه شومی توسط ارتش سوریه و حزب‌الله لبنان و نیروهای تحت فرمان قاسم سلیمانی و کمک هوایی روسیه، پوزه امپریالیسم آمریکا و هم‌پیمانان‌شان را به خاک مالید. آنانی که مدام فحش و ناسزا به شکست‌دهندگان داعش نثار می‌کنند، نه تنها هیچ شناختی از امپریالیسم ندارند، بلکه فرق بین جمهوری اسلامی و سرزمین ایران را نمی‌دانند و یا متوجه نیستند که رژیم، به مثابه مستأجری چموش است که دیر یا زود توسط صاحب‌خانه از خانه بیرون انداخته خواهد شد!! باری، مردم آزاده و آگاه و پیکارجوی ایران، همانگونه که شاهان قاجار و شاهان پهلوی را از سر تخت شاهی بر زبر خاک مذلت نشانند، دور نیست که طومار رژیم سرمایه‌داری اسلامی را هم درنوردند! •



سخت در اشتباه‌اید! عدم شناخت صحیح از دشمنان مردم فاجعه می‌آفریند!

نامه‌ای از ایران

اگر معتقدید که آمریکا، اتحادیه اروپا، پارلمان اروپا و ایرانیان وطن‌فروش در کانال‌های ماهواره‌ای «ایران اینترنشنال»، «من و تو»، «صدای آمریکا»، «بی بی سی»، «فرشگرد»ی‌ها، رضا نیم پهلوی، «ایران فردا»، «مریم رجوی»، «مسیح علی‌نژاد» و یا هر مزدبگیر خارج و داخل‌نشین و «مخالف» جمهوری اسلامی و یا حتا متحدین ایران چین، روسیه به غیر از کارگران و فرودستان و زحمتکشان و در یک کلام، مردم جان به لب رسیده ایران، آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی برای ایران بلادیده خواهند آورد، سخت در اشتباه خواهید بود!

«دموکراسی و حقوق بشر»ی را که آمریکا و اروپا و اسرائیل و استرالیا و کانادا و دیگر آدم‌کشان حرفه‌ای برای افغانستان، عراق، لیبی، سودان، سومالی، مصر، یمن و سوریه «هدیه» کردند، برای هفت پشت‌شان کافی بود! تمامی مردمان رنج‌دیده این ممالک، سال‌هاست که برای آزادی، دموکراسی و حقوق بشر جان می‌کنند و هر روز برای رهایی از استعمارگران بیگانه، کشته می‌دهند. این بلای خانمان‌سوز، به نام جمهوری اسلامی ایران را همین حرام‌زادگان تاریخ بر مردم ایران، که نود



سیاست میلیتاریسم جهان غرب برای پیشگیری از «غروب غرب»

در فوریه ۲۰۲۰ پنجاه و ششمین نشست «کنفرانس امنیتی مونیخ» با شرکت ۴۰ نفر از رهبران و روسای دولت به همراه ۱۰۰ نفر از وزرای امور خارجه و دفاع و صد ها تن دیگر از مقامات بلند پایه غیردولتی، که دستی در سیاست و اقتصاد جهانی دارند، برگزار شد. تفاوت این نشست با نشست های سال های گذشته در محتوای گزارشی بود که به کنفرانس ارایه گردید. در آنجا از «غروب غرب» سخن رفته است. اوضاع جهانی به سرعت در حال تغییر است، جهان تک قطبی، که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بوجود آمد، جهان غرب را به رهبری آمریکا به قدرت بلا منازع جهان تبدیل ساخت، آمریکا می رفت تا با قدرت اقتصادی و نظامی خود نه تنها بر جهان غرب که بر جهان شرق فروپاشیده تسلط پیدا کند، اما دیری نپایید که دو کشور قدرتمند روسیه و چین توانستند در زیر سایه جهان تک قطبی و هژمونی آمریکا سردر آورند و امروز جهان غرب را به چالش جدی به کشانند. «امانویل ماکرون»، رئیس جمهور فرانسه، اذعان دارد که «ما از قرن ۱۸ میلادی به یک نظام بین المللی عادت کرده بودیم که بر پایه هژمونی غربی استوار بود». این می رساند که جهان به سوی جابجائی قدرت طی طریق می کند. امپریالیسم آمریکا در حال تضعیف شدن است؛ اقتصاد آمریکا دیگر از آن قدرت و اهمیت جهانی برخوردار نیست؛ زیر ساخت های آمریکا فرسوده شده اند؛ تکنولوژی این کشور هم از لحاظ تطابق زمانی و هم از لحاظ رقابت با تکنولوژی اروپائی ها در حال عقب افتادن است؛ به لحاظ نظامی، اگرچه هنوز بزرگ ترین قدرت نظامی برتر جهان محسوب می شود، ولی رشد و پیشرفت رقبای قدرتمندی مانند روسیه و چین می توانند در آینده آمریکا و اروپا را به چالش به کشانند. روشن است که این تغییر و تحولات ملموس و قابل رویت به نقش امپریالیسم آمریکا به مثابه «پلیس



گزارش مختصری در مورد کنفرانس امنیتی مونیخ

امسال حدود ۵۰۰۰ نفر در تظاهرات علیه جنگ و در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ شرکت کردند. آنها خواستار پایان دادن به مداخلات و حملات نظامی ناتو؛ خواستار عدم شرکت آلمان در عملیات ناتو و خواستار پایان دادن به سیاست امپریالیستی به نفع کنسرن های بزرگ بودند.

«به جای خرج کردن پول ها در زمینه تولید و خرید اسلحه، پول ها را جهت تأمین نیروی انسانی در حوزه سلامت، مراقبت، آموزش و پرورش خرج کنید» شعار بسیاری از اتحادیه های صنفی در این تظاهرات بود.

در این تظاهرات علاوه بر شرکت فعال و پر نقش هواداران حزب کار ایران (توفان) - حزب DIE LINKE (چپ های آلمان)، اتحادیه های کارگری و صنفی آلمان، دانشجویان دانشگاه های مونیخ، جمع زیادی از فعالان علیه جنگ؛ فعالان سیاسی سازمان های هندوستان، سوریه، عراق، افغانستان، فعالان صلح آلمان، فعالان محیط زیست آلمان، فعالان همبستگی کردستان و جمعی دیگر از گروه های سیاسی آلمانی و خارجی در این تظاهرات موفق شرکت کردند.

در حین تظاهرات مردی از کشور عراق در اعتراض به حضور نیروهای آمریکایی در کشورش با ریختن بنزین بر سر و بدن اش قصد خودکشی داشت که پلیس عکس العمل نشان داد و او را دستگیر کرد

شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۲۰



یک ترور فاشیستی نازیستی در آلمان

در شهر «هانائو» Hanau در ایالت هسن، در آلمان فدرال حداقل ۱۰ خارجی را یک نازی به قتل رسانده است. در این شهر احزاب «دموکراتیک» آلمان نظیر دموکرات مسیحی‌ها برای کسب حداکثر آراء و جلب عقب‌مانده‌ترین اقشار اجتماعی، مرتب به خارجیان دشنام می‌دادند و حتی آقای «رولاند کوخ»، نخست وزیر قبلی این ایالت، بر ضد خارجی‌ها یک رفتارندم برگزار کرد، تا با تراکم و افزایش نفرت در انتخابات پیروز شود. وی نماینده حزب سبزها آقای «طارق الوزیر» را به علت نام اسلامی و عربی‌اش مسخره می‌کرد و به وی دشنام می‌داد. این آن فضائی است که نازی‌ها در آن پرورده شده‌اند.

تمام سازمان‌های امنیتی آلمان، پلیس و دستگاه قضائی در یک اتحاد نامقدس برای تقویت نازی‌ها همکاری مقدس می‌کردند و این اتحاد حداقل تا برکناری رئیس سازمان امنیت آلمان، آقای «هانس گئورگ ماسن»، مشاور حزب ضد خارجی آ.اف.د. تا چند ماه پیش ادامه داشت. حال می‌خواهند این تاریخچه را حذف کنند و این فرد را دیوانه جلوه دهند که گویا افکار فاشیستی و ضد خارجی‌اش محصول شیسوفرنی (روان‌پارگی) بوده و خود وی قربانی تئوری‌های توطئه است. زیرا تروریست‌های اصلی اکنون در مقامات بزرگ سیاسی و اقتصادی نشسته‌اند و دارند ترورهای بعدی را بر ضد مسلمانان برنامه‌ریزی می‌کنند.

باید به این پرسش پاسخ داد که چرا در آلمان هر کس دچار دیوانگی و شیسوفرنی می‌شود می‌رود کمونیست‌ها و یا خارجیان را می‌کشد و نمی‌رود نازی‌ها را به کشت. کشف این امر از پیدا کردن علل توسعه «ویروس کرونا» مهم‌تر است. ویروس نازیسم بشریت را معیوب می‌کند. مغزها را ضدبشری می‌کند.

جهانی» ضربه مهلکی وارد آورده است. هیأت حاکمه آمریکا خوب می‌داند که این نقش را نمی‌تواند با توجه به تحولات جاری در جهان در درازمدت ایفا کند. «ایشنگر» در کنفرانس مطبوعاتی خود، در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ، به این مسأله چنین اشاره می‌کند: «پس از آنکه ایالات متحده آمریکا نقش خود را به عنوان پلیس جهانی کنار نهاد، از غربی شدن جهان کاسته شد و تسلط غرب بر صحنه جهانی رو به کاهش است. اکنون اروپایی‌ها باید شکاف «فقدان غرب» را پر کنند...»

پرسش اصلی این است که آیا اروپائیان می‌توانند چنین نقشی را برعهده بگیرند؟ پر واضح است هنگامی که از اروپا صحبت به میان می‌آید، منظور آلمان است. در سال ۲۰۱۴ رئیس جمهور آلمان Joachim Gauck در کنفرانس امنیت مونیخ تأکید داشت که «آلمان باید نقش محکمی در جهان داشته باشد. هدف باید این باشد که بدون هیچ اما و اگر قدرت آلمان، نه تنها قدرت اقتصادی، بلکه قدرت نظامی نیز در خدمت اتحادیه اروپا و ناتو گذاشته شود». به‌بینم وزیر دفاع آلمان در این زمینه چه می‌گوید: «آلمان مجبور بود از نظر سیاست خارجی، توسعه ارتش و تسلیحات با فرانسه بیشتر همکاری کند. ما باید کاری کنیم که اروپا بیشتر قادر به عمل باشد، تا اتحادیه اروپا بتواند منافع اروپایی معتبر را، سریع‌تر و مصمم‌تر تصویب کند، در غیر اینصورت ما همه با هم از پای در خواهیم آمد... ما می‌گوییم: ما همه با هم به زانو درمی‌آئیم، با جنگ‌های بیشتر و با هزینه‌های تسلیحاتی بیشتر». این هراس وزیر دفاع آلمان چندان از واقعیت به دور نیست. هزینه‌های نظامی کشورهای ناتو بالغ است بر هزار میلیارد دلار، یعنی ۱۶،۵ برابر بیشتر از هزینه‌های نظامی روسیه و چهار برابر بیشتر از چین.

سیاست میلیتاریسم جهان غرب برای پیش‌گیری از «غروب غرب» باعث خواهد شد تا جهان به پای یک جنگ خانمانسوز دیگر کشانده شود و بار تحمل سنگین هزینه‌های نظامی بر دوش کارگران و زحمتکشان جهان انداخته شود. تنها بخش اندکی از این بودجه‌های نظامی کافی می‌بود تا اعتبارهای ضروری، برای کلیه اقدامات لازم برای جلوگیری از فاجعه محیط زیست، آموزش، بهداشت، تغذیه سالم تأمین گردد.

اما واقعیت این است که سران بلندپایه جهان در قالب «کنفرانس امنیتی مونیخ» به دور هم جمع می‌شوند، نه برای حل بحران‌ها و مناقشات منطقه‌ای و از این طریق تأمین امنیت جهانی، هدف توسعه میلیتاریسم، افزایش بودجه‌های نظامی، تثبیت و تحکیم پیمان‌های نظامی و حضور نظامی جهان غرب در سراسر جهان است؛ برای حفظ و تأمین منافع خود و تسلط نظامی «غرب» بر شرق.

طرح «غروب غرب» نباید توجیه گر رویکرد میلیتاریستی جهان غرب به سرکردگی آمریکا باشد.

واقعیت‌های دنیای کنونی برخاسته از ماهیت طبقاتی نظام امپریالیستی غرب و در رأس آن آمریکا و تلاش برای اعمال هژمونی بر رقبای تازه نفس امپریالیستی شرق است. وظیفه روشنفکران جهان این است که این حقایق را از پس «دموکراسی»های دروغین بیرون بکشند، آنها را برجسته کنند و به مردم نشان دهند، تا ماهیت جنگ‌خوئی امپریالیست‌ها و در شرایط مشخص کنونی، جنگ‌طلبی امپریالیسم آمریکا بر آنها روشن شود.

و به نوعی رشد اقتصاد وام گرفته است. ایالت‌های فدرال، شهرداری‌ها و به ویژه مصرف‌کنندگان، که حدود ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند، وام دریافت می‌کنند و مقروض‌اند. کل بدهی در ایالات متحده در حال حاضر بالغ بر ۷۰ هزار میلیارد دلار است. از این مبلغ بدهی دولت کمی بیش از ۲۳ هزار میلیارد دلار یا ۱۰۸ درصد تولید ناخالص داخلی است.

سرمایه‌گذاران خصوصی سال گذشته بیش از شش درصد کاهش یافته‌اند - سرمایه‌داران معتقدند که توسعه و سرمایه‌گذاری در آمریکا بی‌ثبات و ناپایدار است.

«دونالد ترامپ» در ادامه سخنان ریاکارانه‌اش ادعا کرد که بیکاری به شدت کاهش یافته است و در حال حاضر ۳،۶ درصد، یعنی حدود ۵،۷ میلیون نفر است. اما او فقط کسانی را که در هفته‌های اخیر به طور جدی به دنبال کار بوده‌اند، به شمار می‌آورد. به گزارش موسسه ان بی سی همه کسانی که تمایل به کار تمام وقت دارند، اما هم اکنون مجبور به مشاغل نیمه وقت و موقت هستند یا همه کسانی که از جستجوی کار خسته شده‌اند، این رقم کمی بیش از ۶،۹ درصد است.

علاوه بر این، ۲،۳ میلیون نفر در زندان به‌سرمی‌برند و نیروی کار در بازار کار محسوب نمی‌شوند. اگرچه بخشی از این زندانیان در زندان‌های خصوصی به کار بردگی کشیده می‌شوند و مورد سوء استفاده سرمایه‌داران قرار می‌گیرند. اگر ۱،۳ میلیون شبه نظامی، که به انجام وظیفه مشغول‌اند و دوره وظیفه‌شان پایان گیرد، باز هم نرخ بیکاری افزایش خواهد یافت.

در سال ۲۰۱۸، «فیلیپ آلستون»، گزارشگر ویژه سازمان ملل، در زمینه ژرفش فقر در آمریکا نوشت که ۴۰ میلیون نفر در ایالات متحده در فقر زندگی می‌کنند و پنج میلیون نفر در «شرایط جهان سوم» به‌سرمی‌برند. در همان سال، دفتر سرشماری ایالات متحده آمریکا نوشت که فقر اکنون به ۱۱،۸ درصد از جمعیت یعنی حدود ۳۸ میلیون نفر کاهش یافته است. در ۵ فوریه، روز بعد از سخنرانی «ترامپ»، «الکساندرای اوکاسیو کورتز»، نماینده دموکرات‌ها در کنگره آمریکا، مدعی شد در آمریکا ۴۰ میلیون فقیر وجود دارد.

اینها همه نشان می‌دهد «دونالد ترامپ» باز هم دروغ گفته است، تا کارنامه سیاه نئولیبرالی، جنایت‌بار و ماجراجویانه خود را سفید و موفق جلوه دهد. «ترامپ» در همین سخنرانی در مورد سیاست خارجی آمریکا از ثبات و موفقیت در عرصه جهانی و از جمله در منطقه خاورمیانه سخن گفت و اقدام تروریستی و قتل فرماندهان نظامی ایران «قاسم سلیمانی» و عراق را در خاک عراق ستود. دروغ‌های تبلیغاتی «ترامپ» همه در جهت اهداف انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر است، تا با گسترش حجمی از این دروغ‌ها بخت خود را برای انتخاب مجدد افزایش دهد. •



دروغگویی دونالد ترامپ در مورد رونق اقتصادی و کاهش فقر در آمریکا

«دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا، اخیراً در سخنرانی خود در مورد انتخابات ریاست جمهوری آینده به دروغ‌هایی متوسل شد که باز هم بر کارنامه دروغ‌های او افزوده شد. وی با ریاکاری تمام گفت: «همه چیز رو به بهبود و رشد است، رشد شدید اقتصادی، کاهش بیکاری، کاهش شدید فقر و غیره.. اینها همه از دست‌آوردهای دولت او است!»

اما واقعیت چنین نیست. «ترامپ» پیش‌تر وعده رشد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) برای سال ۲۰۱۹ را حداقل سه درصد، شاید چهار، پنج یا شش درصد داده بود. اما اکنون این میزان ۲،۳ درصد افزایش یافته است و این علی‌رغم مشوق‌های بزرگ، نظیر کاهش مالیاتی ۱۵۰۰ میلیارد دلاری برای ثروتمندان و افزایش شدید کسری بودجه دولت همراه بوده است. تولید ناخالص داخلی ۸۵۰ میلیارد دلار افزایش یافت و از طرفی میزان بدهی دولت ۱۲۳۰ میلیارد دلار برآورد شده است. صادرات کشور ۱،۴ درصد افزایش یافته در حالی که واردات ۱۱،۶ درصد کاهش یافته است. رشد صادرات و واردات برحسب توازن سرمایه اینها هر دو موجب افزایش تولید ناخالص داخلی می‌شوند. لیکن چنین هدفی هنوز محقق نشده است. اما این تنها دولت نیست که برای افزایش تقاضا

درس اخلاق!

... و من گواهی می‌دهم که اخلاق را خداوندان زر و زور آوردند! گفتند: «دزدی مکن»، یعنی «تو» دزدی مکن، دزدی حق ویژه ماست! گفتند: «قتل مکن»، یعنی «تو» حق نداری آدم بکشی، این تنها حق ماست! از «تو» خواستند راست بگویی، زیرا دروغ گویی انحصار آنان بود!

جان کلام اینکه ما، دزدی نکردن را از دزدان، راست گویی را از دروغ گویان و پرهیز از آدم کشی را از قاتلان آموختیم! در جهان کنونی که تحت سلطه نظام گندیده سرمایه‌داری اداره می‌شود، خطابه فوق، کاملاً مصداق پیدا می‌کند! حوزه‌هایی از دروغ گفتن، دزدی، آدم‌کشی و ترور ... اکیداً ممنوع، اما همین اعمال و همین کردار در حوزه‌های دیگر و در جهت حفظ و تحکیم سرمایه‌داری جنبه تقدس پیدا می‌کند!

برای نمونه نظری به خاورمیانه و مروری به وقایع دو دهه اخیر بیندازیم. آنهمه دروغ و ریاکاری در مورد عراق و «سلاح‌های کشتار جمعی آن» و متعاقب‌اش کشتار میلیونی انسانهای شریف و بی‌گناه در عراق، لیبی، افغانستان، فلسطین، سوریه و یمن حکایت از همین تفکر خداوندگاران زر و زور دارد! آنها آشکارا و گاهی پنهان به خود حق می‌دهند که در هر جای کره زمین و هر کسی را چه در افغانستان یا پاکستان و یا سوریه و عراق بخوانند می‌توانند ترور و یا حمله نظامی کنند ولی دیگران چنین حقی ندارند! ما و رژیم‌های هم‌پیمان ما حق داریم صدها بمب اتم داشته باشیم و با آن شهرهای ناکازاکی و هیروشیما و یا هر جای دیگر را بمباران اتمی بکنیم، اما دیگران حتی حق غنی‌سازی اورانیوم را ندارند. کشورهای چون ایران و کره شمالی را تحت شدیدترین تحریم‌ها و تبلیغات رسانه‌ای قرار می‌دهند تا مانع دست‌یابی آنان به غنی‌سازی اورانیوم و یا سلاح هسته‌ای شوند. در مقابل کلمه‌ای درباره تسلیحات اتمی اسرائیل سخن نمی‌گویند!

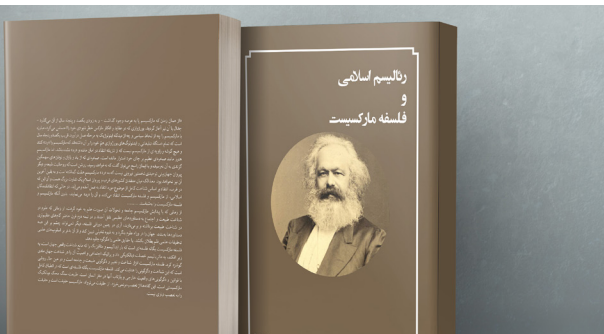
طبق نوشته مندرج در «مجله دانش و مردم» «یکی از اهداف استفاده از بمب اتم دوم در ژاپن، برای آزمایش تفاوت تأثیرات بمب اتمی اورانیومی (هیروشیما) با بمب اتمی پلوتونیومی (ناکازاکی) بوده است». این گفته منطقی به نظر می‌آید چون هدف امپریالیسم آمریکا تسلیم رژیم فاشیست ژاپن و هم‌پیمان هیتلرن بود! برای اینکه ژاپن قبل از حمله اتمی آمریکا، توسط ارتش سرخ شکست خورده و تسلیم شده بود. بعلاوه با بمباران اتمی این دو شهر ژاپن، می‌خواست که در مقابل قدرت ارتش سرخ، عرض اندامی کرده باشد! امپریالیسم آمریکا ابائی از کاربرد دوباره و چندباره این نوع سلاح‌های جهنمی در کشورهای دیگر ندارد. در سال ۲۰۰۳، جرج بوش از ناکافی‌بودن سیاست بازدارندگی در جنگ سرد سخن راند و خواستار اقدامات پیش‌دستانه علیه «دشمنان» بالقوه، نظیر ایران، کره شمالی، چین و روسیه گردید.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران هم به مدت چهار سال همین «منطق» حاکمان زر و زور را در ایران اعمال می‌کند. «تو» نباید چیزی بدزدی، حتی اگر گرسنه و محتاج باشی. اگر «دزدی» کنی، حتی یک حلب روغن، دست را قطع خواهیم کرد! دزدی‌های میلیاردری، حق ویژه ماست! اگر کسی را بکشی، بدان که قصاص و در انظارعموم و برای رُعب و وحشت به دار آویخته خواهی شد! قتل و ترور و کشتار در انحصار ماست، حتی اگر هزاران نفر باشند! خداوند دشمن دروغ‌گو است و دروغ‌گویی از گناهان کبیره به حساب می‌آید. اما ما حق ویژه از جانب پروردگار داریم که نه چهل سال، بلکه چهل هزار سال هم شده، دروغ بگوییم!

باتوجه به متن مختصر بالا، چنین برمی‌آید که مردم دلاور ایران بین دو قدرت مخرب و ریاکار خارجی به نام امپریالیسم آمریکا و داخلی با نام بی‌سر و ته جمهوری اسلامی گرفتار آمده‌اند. برای رهایی از این همه بیداد، آنهم نه چهل سال، بلکه بیش از صد سال، تنها دلاوری و شجاعت شرط نیست، شرط اساسی و بنیادی برای به دست آوردن آزادی و رهایی از ظلمت و بی‌دادگری، آگاهی و بازهم آگاهی است. شناخت درست دوست از دشمن، مرد و نامرد، خادم و مزدور، مترقی و مرتجع، چنان قدرت مادی بوجود خواهد آورد که با آن می‌توان کوه‌ها را جابجا کرد! فقر به تنهایی منجر به دگرگونی نخواهد داشت، آگاهی از علل فقر است که انقلاب و تطوّر بوجود می‌آورد! تا زمانی که خلق به این درک و شناخت نرسد، همواره شکست خواهد خورد. نمونه آن مشروطیت، ملی کردن نفت و انقلاب بهمن ۵۷ بود!

باید بدانیم که سرمایه‌داری غرب، در رأس آنها آمریکا، محال است که خواهان آزادی، عدالت، استقلال و دموکراسی و حقوق بشر برای ایران و دیگر ممالک باشند! باید بدانیم بدون تشکیلات و بدون سازماندهی در یک حزب و رهبری انقلابی محال است به آزادی برسیم. به عنوان نمونه می‌توان خیزش‌های سال ۷۸، ۸۸، ۹۶، ۹۷، ۹۸ را مثال آورد که به آزادی ختم نشد.

«شب ما روز نگردد ز مه باختری
تا چو خورشید به خاور نزنیم اخترسرخ» •



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

پیام حزب کار ایران (توفان) به نهمین کنگره رفقای حزب کمونیست کارگران فرانسه

رفقای عزیز!

خبر برگزاری کنگره ۹ حزب شما ما را بسیار خوشحال نمود. برگزاری کنگره یک حزب مارکسیستی - لنینیستی یک واقعه تاریخی است که بیانگر موفقیت حزب در پیشبرد مبارزه طبقاتی و برافراشته نگه داشتن پرچم آن است. حزب کار ایران (توفان) این موفقیت را به کمیته مرکزی، به تمامی اعضا و دوستداران حزب شما شادباش می گوید و به شرکت کنندگان در کنگره درود می فرستد.

رفقای گرامی!

در چند سال اخیر، همه تضادهای نظام جهانی سرمایه داری امپریالیستی تشدید شده اند. تضادهای بین کار و سرمایه، بین خلق و امپریالیسم، بین خود کشورهای امپریالیستی همگی رشد کرده اند و در بعضی کشورها و مناطق به تجاوز نظامی و اشغال و به رودروئی توده ها با حامیان این نظام سرکوب گر منجر شده است. در همین سال های اخیر، امپریالیسم فرانسه برای حفظ منافع استعماری خود چندبار به کشور «مالی» تجاوز نظامی کرده است و ارتش سرکوب گر فرانسه هنوز کشور «مالی» را در اشغال دارد. جنایات استعماری فرانسه در سرتاسر آفریقا برای نیروهای مترقی شناخته شده اند و امروز به شکل جنایات نو استعماری ادامه دارند. شرکت «سرکوزی» در نابودی کشور لیبی لکه ننگی است بر پیشانی امپریالیسم فرانسه که هیچ تفسیر و تعبیری آنرا پاک نخواهد کرد.

و این است داستان تمامی قدرت های امپریالیستی؛ از بزرگ ترین و وحشی ترین قدرت امپریالیستی، آمریکا و جنایات اش در عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و تا کشورهای امپریالیستی غیر عمده.

اما طرف دیگر داستان، مبارزه شکوه مند توده ای زنان و مردان و جوانان است که در مقابل تهاجم سرمایه به زندگی شان قد علم کرده اند. جبهه های مقاومت در کشورهای مختلف قادر شده اند که صدای اعتراض استثمارشدگان و ستمدیدگان را به درون کاخ های سلاطین و مقامات «عالمی» برسانند. بیش از یکسال است که طبقات و اقشار مردمی در فرانسه، زنان و مردان جوانان کارگر و دانشجویان و دانش آموزان، آموزگاران، پرستاران، بازنشستگان و نیروهای مترقی غیرفرانسوی بر علیه سیاست های سلطنتی «مکرون» متکبر و رئیس جمهور سرمایه داران، سیاست افزایش مالیات بر مواد سوختی و کاهش مالیات بر ثروتمندان و کمپانی های بزرگ، کاهش حقوق بازنشستگی از طریق

امتیازدهی و کلاً ادامه سیاست های نئولیبرالی «سرکوزی» و «اولاند» در خیابان های فرانسه دست به اعتراض می زنند و چهره کریه دولت «مکرون» و پلیس سرکوب گر آنرا به جهانیان نشان می دهند. مبارزه شکوه مند کارگران فرانسه در صف اول این جبهه، الهام بخش مبارزه کارگران سراسر جهان است. مبارزه انقلابی کارگران فرانسه دارای تاریخی طولانی است. پرولتاریای فرانسه نقش و تأثیر عمده در مبارزه طبقاتی در اروپا داشت و پرچم اولین دیکتاتوری پرولتاریا، کمون پاریس، را برافراشت. مبارزه عظیم پرولتاریای فرانسه برای حفاظت از کمون و درس آموزی از آن تجربه، به تکامل مارکسیسم کمک نمود. پرولتاریای جهان همواره از این سنت انقلابی الهام گرفته و از آن تجلیل کرده است.

رفقا!

حزب کمونیست کارگران فرانسه به عنوان بخش پیشاهنگ پرولتاریای فرانسه نیروی خود را در مبارزه بر علیه سیاست های نئولیبرالی بورژوازی فرانسه با نماینده سیاسی «امانوئل ماکرون»، بر علیه سرکوب و استثمار نو استعماری کشورهای آفریقائی، بر علیه شرکت فرانسه در ناتو و جنگ های ویرانگر آن، بر علیه نژادپرستی و رشد فاشیسم، برای زندگی بهتر و صلح و آرامش، برای مردم فرانسه، برای عدالت اجتماعی و پایان دادن به استثمار صرف می کند. حزب شما با برگزاری جشن صدمین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، سنت های انقلابی پرولتاریای جهانی را گرامی داشت و وفاداری به لنینیسم و خصیصه انترناسیونالیستی خود را بیان نمود. این مبارزات مورد تحسین کمونیست ها و نیروهای انقلابی اروپا و جهان قرار گرفته اند. حزب ما به رفقای درگیر در این مبارزات درود می فرستد.

حزب کار ایران (توفان) اطمینان دارد که تصمیمات کنگره ۹ مسیر مبارزه برای تقویت و استحکام حزب، برای پیشروی حزب در مبارزه برای رهائی از استثمار طبقاتی را ترسیم خواهد کرد.

زنده باد کنگره ۹ حزب کمونیست کارگران فرانسه!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری!

حزب کار ایران (توفان)

ژانویه ۲۰۲۰ •

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری!



آمریکا باید سربازان خود را از خاورمیانه خارج کند و دست از مداخلات خود بردارد

ترور قاسم سلیمانی در خاک عراق یک اقدام تروریستی و
نقض حقوق ملل است

این مطلب در چند روزنامه سوئدی، از جمله در ارگان مرکزی
حزب کمونیست سوئد ۲۹ ژانویه و در روزنامه «کورن» در
استان اوستر یوتلند ۱۳ فوریه درج گردید.

یکم نگاهی به خصومت تاریخی آمریکا با مردم ایران
ایران تاریخ طولانی و پرافتخاری دارد. ایران یکی از
قدیمی ترین تمدن های جهان است. امروز ایران ۸۳ میلیون نفر
جمعیت دارد و از نظر نرخ جمعیت در رتبه بیستم جهان قرار
دارد. در دهه های اخیر، این کشور با یک سری چالش های
سیاسی، به ویژه درگیری خارجی، روبرو شده است.

در سال ۱۹۵۳ دولت سکولار و ملی دکتر محمد مصدق از
طریق کودتای سازمان یافته سازمان جاسوسی آمریکا، سازمان
سیا سرنگون شد. این حقیقت نخستین بار در اوت ۲۰۱۳ توسط
سازمان سیا مورد تأیید قرار گرفت. این اولین و آخرین دور
از تلاش آمریکا برای کودتا در ایران نبود. پس از کودتا علیه
محمد مصدق مردم ایران در مقابل رژیم دیکتاتوری شاه، رژیم
سرسپرده غرب ایستادند. رژیم شاه پس از ۲۵ سال حکومت
استبدادی و سرکوب گر توسط انقلاب مردمی در سال ۱۹۷۹
سرنگون شد. به عبارت دیگر می توان گفت که دشمنی کنونی
آمریکا علیه ایران ریشه در انقلاب فوریه ۱۹۷۹ دارد. آمریکا با
انقلاب مردم ایران سلطه و نفوذ خود را در ایران از دست داد.

عامل مهم دیگر دشمنی ایالات متحده با ایران خصومت بی پایان
و نابخشودنی اسرائیل با ایران است. این یکی از طنزهای تاریخ
مدرن خاورمیانه است که کسی که ایران را به برنامه تسلیحات
هسته ای متهم می کند، که نامش اسرائیل است. از قضا این که
اسرائیل تنها قدرت هسته ای شناخته شده در خاورمیانه است
و از امضای پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای نیز امتناع
می ورزد یا اجازه بازرسی مستقل از تأسیسات هسته ای خود را
نمی دهد. اسرائیل همچنین تاریخ وحشتناکی دارد و تجاوز او
فقط به یک کشور محدود نمی شود. اسرائیل به چند کشور
همسایه اش نیز تجاوز کرده و دست به اشغال آنها زده است.
این اقدامات همگی مغایر قوانین بین المللی و قطعنامه های
منشور سازمان ملل متحد است. یکی از این قطعنامه ها در مورد
اشغال بلندی های جولان در سال ۱۹۶۷ است. برخوردهای
ضدانسانی و مغایر با حقوق بشر در مورد شهروندان فلسطینی
اظهارالمن شمس است و همه از آن آگاهند.

اسرائیل با توافق هسته ای سال ۲۰۱۵ که به اصطلاح «۵ + ۱»
منعقد شده بود، (یعنی پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان
ملل به علاوه آلمان و اتحادیه اروپا که در واقع ۷ + ۱ می شود)
به شدت مخالفت کرد. رئیس جمهور آمریکا، «باراک اوباما»
این توافق را «یک توافق تاریخی» توصیف کرد!

رئیس جمهور جدید آمریکا، «دونالد ترامپ» هیچ وقت در
تبلیغات علنی ریاست جمهوری خود مخالفت خود با توافق
هسته ای با ایران را پنهان نکرد. ایالات متحده رسماً با پشته پا
زدن به تمام توافقات بین المللی در ماه مه سال ۲۰۱۸ از این
توافق خارج شد. اسرائیل تنها کشوری بود که این سیاست
آمریکا را مورد تأیید قرار داد. آمریکا فوراً پس از خروج از
توافق هسته ای تحریم های شدید غیرانسانی و غیرقانونی علیه
مردم ایران را مجدداً از سر گرفت. اینکه این مجازات ها نقض
آشکار قوانین بین المللی است، برای آمریکا فاقد اهمیت است
و گوشش به این حرف ها بدهکار نیست.



گشت و گذارک در فیسبوک،

پاسخ به چند پرسش

پرسش: دوستان و رفقای گرامی برخی از سازمان‌ها و احزاب ایرانی، نظیر سازمان مجاهدین، حزب کمونیست کارگری حکمتی و گروه‌های مشابه از قریب‌الوقع بودن انقلاب در ایران می‌گویند. حزب شما چه فکر می‌کند؟ آیا انقلاب در پیش است؟ آیا امروز در ایران وضع انقلابی وجود دارد؟ بسیار خوشحال می‌شوم جواب سؤال مرا دهید. با تشکر.

پاسخ: درود بر شما، نخست اینکه انقلاب بدون پیدایش موقعیت انقلابی و یا به گفته صحیح‌تر وضع انقلابی غیر ممکن است. سازمان مجاهدین از سال ۶۰ تاکنون انقلاب را قریب‌الوقع تعریف می‌کند و به خورد هوداران ساده‌لوح‌اش داده است. مسعود رجوی در سال ۶۰ اعلام نمود که رژیم تا دو ماه دیگر سرنگون خواهد شد. سپس دو ماه را به شش ماه افزایش داد و به همین ترتیب در خلال ۳۸ سال حاکمیت جمهوری اسلامی از قریب‌الوقع بودن انقلاب سخن گفته است. چنین تحلیل ذهنی و اراده‌گرایانه‌ای از انقلاب جز بی‌اعتباری این جریان حاصلی نداشته است و سرانجام وقتی از سرنگونی رژیم توسط نیرویش مایوس شد، از امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه دعوت نمود تا با مداخله نظامی رژیم را سرنگون سازند و شکلی از «انقلاب ناتوئی لیبی» را برای مردم ایران به ارمغان آورند. همین برخورد ذهنی در مورد انقلاب را منصور حکمت، رهبر «حزب کمونیست کارگری ایران»، که نه کمونیست است و نه کارگری و نه ایرانی چند سال قبل از مرگش در کنگره حزبی از قریب‌الوقع بودن انقلاب در ایران سخن گفت و با بیان اینکه «رژیم اسلامی بزودی با سر به زمین فروود» خواهد آمد، به هوداران بی‌سواد و فریب‌خورده‌اش وعده سرنگونی داد تحت رهبری حزبی!

از آن تاریخ تاکنون که قریب به بیست سال می‌گذرد، پیروانش امروز تحت رهبری «حمید تقوایی» با الهام از منصور حکمت

تحریم‌های جدید آمریکا بدون تردید باعث ایجاد مشکلات قابل توجه‌ای برای مردم ایران شده است و برخورد اروپایی‌ها نیز در رابطه با اقدامات غیرقانونی آمریکا کارساز نبوده است. اگرچه آنها همچنین این توافق‌نامه را در سال ۲۰۱۵ امضا کردند، اما نگرش آنها برای از سرگیری روابط عادی با ایران در بهترین حالت دوگانه و دو پهلوی بوده است.

دوم اینکه تحریک آمریکا و حمله تروریستی و به قتل رساندن یکی از فرماندهان عالی‌رتبه نظامی ایران توسط هواپیمای بدون سرنشین در فرودگاه بغداد، موجب تشدید تنش بین واشنگتن و تهران شده است.

با حمله تروریستی مرگبار به سرلشگر قاسم سلیمانی، دونالد ترامپ برخلاف روسای پیشین آمریکا، که به مسئله خطر جنگ احتمالی با احتیاط برخورد می‌کردند، گام خطرناک و ماجراجویانه‌ای را در منطقه برداشته است. روشن است ایالات متحده آمریکا در عرصه داخلی دارای مشکلاتی است. سرسختی در برابر ایران به نفع «دونالد ترامپ» در دادرسی فعلی و استیضاح او است و احتمالاً باعث می‌شود که به سود کمپین وی برای انتخاب مجدد ریاست جمهوری در نوامبر آینده گردد. هدف از دعوت قاسم سلیمانی توسط دولت عراق بر اساس توافقی بود بین سه دولت عربستان سعودی، ایران و عراق، تا در مورد کاهش تنش در منطقه خلیج فارس به بحث و گفتگو به‌پردازند. تشدید تنش بین ایالات متحده و ایران منجر به سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی شد و ۱۷۶ انسان بی‌گناه جان خود را از دست دادند. پس از سه روز، ایران اشتباه نابخشودنی خود را پذیرفت و مسئولیت شلیک هواپیما را به عهده گرفت. نخست وزیر کانادا، «جاستین تروود» در مصاحبه‌ای گفت که علت سقوط هواپیما در ایران به دلیل اقدام آمریکا در منطقه بوده است. ۵۷ نفر از کاندایی‌ها هنگام سقوط هواپیما توسط ایران از بین رفتند. «جاستین تروود» ابراز انتقاد بیشتر از ایالات متحده نسبت به گذشته درباره تشدید درگیری با ایران نمود.

تنها راه حل و آرامش در شرایط کنونی و پرهیز از درگیری نظامی این است که ایالات متحده آمریکا تحریم‌های غیرقانونی علیه ایران را لغو کند و به توافق هسته‌ای ۵ + ۱ بازگردد و به توافقات بین‌المللی احترام بگذارد. مردم ایران نمی‌خواهند به همان سرنوشت وحشتناک عراقی‌ها، لیبایی‌ها و افغانستانی‌ها ... گرفتار شوند. مردم هیچکدام از کشورهایی که مورد حمله نظامی ایالات متحده آمریکا قرار گرفته‌اند، نه تنها به دموکراسی دست نیافتند، بلکه درد و رنج و مصیبت اقتصادی‌شان صد چندان بیشتر شد و صدها هزار کشته و میلیون‌ها نفر جلای وطن کردند. مبارزه با استبداد و رژیم ارتجاعی ایران یک مسئله داخلی برای مردم ایران است و نه دغدغه ایالات متحده آمریکا! آمریکا باید سربازان خود را از خاورمیانه خارج کند و دست از مداخلات خود بردارد.

دست آمریکا از ایران کوتاه باد! •

شصت قرن ۱۸ در آلمان و در سال‌های ۶۱-۱۸۵۹ و ۸۰-۱۸۷۹ در روسیه وجود داشت اگر چه در این حالات، انقلابی به وقوع نپیوست. چرا؟

بخاطر اینکه هر وضع انقلابی باعث انقلاب نمی‌گردد. در چنین شرایطی فقط وقتی انقلاب به وقوع می‌پیوندد که علاوه بر تغییراتی که در بالا ذکر شد، تغییری ذهنی هم اضافه گردد. یعنی قدرت طبقه انقلابی برای به انجام رساندن عملیات توده‌ای انقلابی به قدر کافی قوی باشد، تا بتواند دولت قدیم را - که حتی در دوره بحران هم اگر سرنگون نشود به خودی خود سقوط نمی‌کند - خرد (و یا جابجا) کند. اینها نظرات مارکسیستی درباره انقلاب هستند، نظراتی که بارها تکامل یافته‌اند، به وسیله تمام مارکسیست‌ها بدون بحث قبول شده‌اند و برای ما روسی‌ها در تجربه ۱۹۰۵ به طریق تکان دهنده‌ای اثبات شده‌اند.

شاید بشود کل مسئله را در این عبارات تلخیص کرد. برای انقلاب به شرایط عینی (یعنی پائینی‌ها نخواهند و بالایی‌ها دیگر نتوانند)، شرایط ذهنی یعنی عامل رهبری و سازماندهی توده‌ها نیاز است، ولی باید یک وضع انقلابی، به عبارتی وضعی که یک شرایط التهابی و تشنج‌زا در جامعه حاکم شده باشد و احساسات عمومی را تهیج کرده باشد نیز وجود داشته باشد. در این زمینه می‌توان به آتش‌زدن «سینما رکس آبدان» به عنوان نمونه یاد کرد.

حال با توجه به این تعریف علمی باید تحلیل کرد در کدام برهه از تحولات ۳۸ سال اخیر، یعنی پس از کودتای سال ۶۰ و قلع و قمع جریان‌های سیاسی و شکست انقلاب بهمن و تثبیت رژیم جمهوری اسلامی وضع انقلابی وجود داشته است که منجر به انقلاب نشده است. تحولات رفرمیستی دوم خرداد نه برای سرنگونی رژیم، بلکه در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی و تحت رهبری جناح اصلاح طلب صورت گرفت و در تکامل‌اش در خرداد سال ۸۸ به بن بست رسید و سرانجام جنبش اعتراضی مردم، بویژه تهی‌دستان جامعه در دیماه ۹۶ با نفی جناح‌های رژیم به میدان آمد و سرکوب شد. ادامه این اعتراضات با افزایش نرخ بنزین و سرکوب خونین توده زحمتکش نیز موقتا پایان یافت. این اعتراضات اگرچه در بیش از ۱۰۰ شهر صورت گرفت، اما به یک جنبش عمومی و سراسری تبدیل نشد. کارگران و سایر مزدبگیران اجتماعی، بنابر دلایل مختلف، از جمله فقدان رهبری، به میدان نیامدند و اعتصابی صورت نگرفت. به عبارت دیگر وضع انقلابی رخ نداد که توده‌های میلیونی نه تنها رژیم را نخواهند، بلکه برای تغییر رژیم به میدان آیند و رژیم هم نتواند مثل گذشته حکومت کند و با یک بحران عمومی روبرو گردد. رژیم جمهوری اسلامی در طی چهاردهه اخیر، بویژه پس از آغاز تعدیل اقتصادی و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی با چالش‌های مختلفی روبرو بوده است و توانسته است با اتکاء به پول نفت، نیروهای بسیج و سپاه و ده‌ها گروه‌های سرکوب پنهان و آشکار و بخشی از

هر حرکت اعتراضی در ایران را انقلاب تعریف می‌کنند و قول سرنگونی را در کوتاه‌مدت می‌دهند. این حزب اعتراضات خرداد ۸۸ را تحت رهبری موسوی و کروبی «انقلاب» نامید. به همین ترتیب اعتراضات دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ «انقلاب» نام گرفتند و به این اعتبار، ایران در خلال ۴۰ سال اخیر نه فقط انقلاب بهمن بلکه چند انقلاب دیگر نیز تجربه کرده است که خود مردم ایران از آن بی‌خبرند! ادامه این گونه برخورد‌های ذهنی و انحرافی و آلودگی سیاسی و ایدئولوژی این تشکیلات به لیبرالیسم بورژوازی و تفکرات شبه ترسکیستی سرانجام آن را به ورطه خیانت و به ابزار دست امپریالیسم و صهیونیسم در ایران و منطقه بدل کرده است. این حزب امروز از «انقلاب ناتویی لیبی» و تجاوز نظامی غرب به ممالک منطقه الهام می‌گیرد و انقلاب مورد نظرش مداخله «بشردوستانه نظامی» در پارکابی ارتش آمریکا، اسرائیل و ارتجاع منطقه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

اما برای اینکه به پرسش شما پاسخی آموزنده و مسئولانه داده باشیم، توجه شما را به این امر جلب می‌کنیم که انقلاب کارتوده‌هاست و خارج از اراده این سازمان و یا آن گروه رخ می‌دهد. زمان هیچ انقلابی را نمی‌توان از قبل تعیین کرد و به مردم وعده دروغین داد. اکنون از انقلاب بهمن بیش از ۴۱ سال می‌گذرد و رژیم همچنان بر مسند قدرت نشسته است و مردم متأسفانه قادر نگشته‌اند او را سرنگون سازند. لنین با جمع‌بندی و درس‌گیری از انقلاب ۱۹۰۵ به درستی تأکید نمود که «یک مارکسیست نمی‌تواند در این موضوع شکی داشته باشد که انقلاب بدون وضع انقلابی غیرممکن است. در ضمن هر وضع انقلابی به انقلاب نیز ختم نمی‌شود». لنین بصورت درخشانی به علایم یک وضع انقلابی، که دارای سه علامت عمده است، بدین شکل اشاره می‌کند:

۱) طبقات حاکم امکان نداشته باشند حاکمیت خود را به شکل تغییر نیافته حفظ کنند؛ بحران در میان بالایی‌ها، یعنی بحران سیاست طبقه‌ای حاکم موجب پیدایش شکافی می‌شود، که ناخرسندی و برآشفستگی طبقات ستمدیده در آن راه می‌یابد. برای شروع انقلاب معمولاً کافی نیست که پائینی‌ها نخواهند بر روال سابق زندگی کنند، بلکه علاوه بر آن لازم است که بالایی‌ها هم نتوانند بر روال سابق زندگی کنند.

۲) تشدید بیش از حد عادی فقر و بدبختی طبقات ستم‌زده. ۳) ترفیع قابل ملاحظه ناشی از علل پیش گفته فعالیت توده‌ها، که در دوران «آرام» به آرامی اجازه می‌دهند غارت‌شان کنند. ولی در ادوار طوفانی چه تحت تأثیر مجموع بحران و چه به وسیله خود «بالایی‌ها» به میدان عمل تاریخی مستقل کشانده می‌شود. بدون این تغییرات عینی، که نه تنها از اختیار گروه‌ها و احزاب جداگانه، بلکه از اختیار طبقات جداگانه هم مستقل هستند، به عنوان یک قانون عمومی، انقلاب غیرممکن است.

چنین موقعیتی در سال ۱۹۰۵ در روسیه و در تمام دوران انقلاب در غرب وجود داشت، اما آن وضع همچنین در سال‌های

هم از همین استقلال نتیجه می‌گیرد. در غیر اینصورت «سیاست خارجی» حاکمیتی که «منطبق بر منافع ملی و مردمی» نباشد، قاعدتا نمی‌تواند حاکمیتی «آزاد» باشد، همانگونه که حاکمیت پهلوی بود و حاکمیت آل سعود است. بنابر این روشن است که استقلال فقط در عرصه سیاست معنا پیدا می‌کند و این درست است. اشاره شما هم به «سیاست خارجی» بیان همین واقعیت است. این یکسوی حقیقت است، که نمی‌توان با آن موافق نبود. مشکل اما آنجا بروز می‌کند که این «آزادی» و استقلال را مبنای تغییر رفتار مثبت آمریکا در قبال ایران توضیح می‌دهید. یعنی امریکائی که امروز با رژیم ایران در تضاد قرار گرفته است، اختلاف‌اش با رژیم ایران نتیجه رفتار غیرمتعارف هیأت حاکمه ایران است که از یکسو با امریکا در جدال است و از سوی دیگر مردم خود را سرکوب می‌کند. این رفتار رژیم باعث شده است که امریکا مجبور شود در قبال دولت ایران به سیاست‌های تهدیدآمیز روی بیاورد. بنابر این از این نتیجه می‌گیرید که منشاء این اختلافات خود رژیم جمهوری اسلامی است و نه امریکا چرا که آمریکای قرن بیست و یکم با امریکای قرن بیستم متفاوت است.

نگاهی گذرا به اوضاع جهان و ماهیت دنیای سرمایه‌داری جائی برای این خوشبینی نمی‌گذارد. البته که شرایط و اوضاع جهانی و توازن قوا نسبت به گذشته تغییر یافته است. و دوران «جنگ سرد» به آنگونه که ما می‌شناختیم به سر آمده است، اما اکنون ما شاهد تبلور قدرت‌های جدیدی هستیم؛ جابجائی قدرت از غرب به سمت شرق در حال رخ دادن است و اینرا می‌توان به وضوح دید. از این منظر روشن است که دوران بعد از «جنگ سرد» با دوران «جنگ سرد» متفاوت است. ولی این تفاوت تغییری در ماهیت نظام امپریالیسم بوجود نمی‌آورد. جهان دو قطبی برای دو دهه توانست به یک جهان تک قطبی تغییر جهت دهد. ولی رقابت‌ها و تضادهای امپریالیستی باعث شده است تا کشورهای امپریالیستی آشکار و نهان در برابر هم قد علم کنند و این آغاز مرحله جهان چند قطبی است. اجازه بدهید تا نگاهی بیندازیم به تاریخ جنگ‌هایی که به رهبری آمریکا در دوران «جنگ سرد» انجام گرفت و جهان شاهد آن بود و جنگ‌هایی که امروز جهان بعد از «جنگ سرد» شاهد آن است و همچنان به رهبری آمریکا در حال وقوع است.

جنگ‌های دوران «جنگ سرد»

۱. ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ جنگ کره
۲. ۱۹۵۴ گواتمالا
۳. ۱۹۵۸ اندونزی
۴. ۱۹۵۹ - ۱۹۶۱ کوبا
۵. ۱۹۶۰ گواتمالا
۶. ۱۹۶۴ کونگو
۷. ۱۹۶۴ - ۱۹۷۳ لائوس
۸. ۱۹۶۱ - ۱۹۷۳ ویتنام

توده‌های ناآگاه و با توسل به مانورهای مختلف سیاسی و اجتماعی و با تشکیل انتخابات فرمایشی حکومت کند. شرایط عینی انقلاب و نارضایتی عمومی و اشکال پراکنده اعتراضات و شورش‌های خودجوش و بدون رهبری هنوز به معنای وضع انقلابی و قریب‌الوقع بودن انقلاب نیست و با تعاریف من‌درآوردی و ولتاریستی نمی‌توان به مردم دروغ گفت و وعده انقلاب قریب‌الوقع را داد. توده نارضی غیرمتشکل، فاقد رهبری آگاه سیاسی، بویژه رهبری کمونیستی، چگونه می‌خواهد در مقابل نیروی متشکل و سرکوب گر رژیم بایستد و او را سرنگون سازد! حزب ما بارها گفته است که ایران آبستن حوادث مهمی است؛ از یکسو توده‌ها در مقابل رژیم فاسد و خون‌ریز قرار دارند که جان‌شان را به لب رسانده است و از سوی دیگر در محاصره تحریم و تجاوز نظامی قرار گرفته‌اند و اگر سرنگونی رژیم تحت کنترل و رهبری نیروی انقلابی قرار نداشته باشد، فرجامی جز گسیختگی اجتماعی و سیاسی و شکست نخواهد داشت. اگر در شرایطی با وضع انقلابی روبرو شویم و عامل عینی انقلاب با عامل ذهنی پیوند نخورد، انقلابی صورت نخواهد گرفت و رژیم هم علی‌رغم بحران‌های موجود خود بخود سرنگون نخواهد شد. اینها آن نکاتی است که باید مورد توجه قرار گیرند و با تشکیلات منسجم حزبی، مسلح به مارکسیسم - لنینیسم به استقبال توده‌ها رفت و به سازماندهی آنها پرداخت. با شعار و بدون شعور و آگاهی سیاسی نمی‌توان توده‌ها و انقلاب را رهبری کرد.

پیروز باشید

پرسش: آیا فکر نمی‌کنید علت دشمنی آمریکا با ایران برخاسته از ماهیت ضد دموکراتیک، غیر سکولار و ماجراجوئی جمهوری اسلامی باشد؟ من مطمئنم اگر روزی در ایران یک دموکراسی سکولار بر سر کار بیاید و حاکمیت آزاد باشد و دولت سیاست خارجی خودش را منطبق بر منافع ملی و مردمی پیش بگیرد، رفتار آمریکا با ما خصمانه نخواهد بود. به نظر من دوران جنگ سرد به سر آمده است و کشورها می‌توانند در کنار هم با صلح و صفا زندگی کنند و آزادانه شریک تجاری اقتصادی خود را انتخاب کنند. سیاست‌های جهانی امریکا و دیگر کشورهای غربی نه آنگونه که شما ادعا می‌کنید براساس سلطه‌گری همه‌جانبه، بلکه در تبادل مناسبات اقتصادی سیاسی خاص خودشان بنا شده‌اند»

پاسخ: در اینجا به دو مسأله اشاره می‌کنیم:

یکم اینکه ابتدا باید روشن شود که «حاکمیت آزاد» به چه معناست! بر هیچکس معلوم نیست که اولاً این حاکمیت، که به زعم شما «آزاد» است، حاکمیت کدام طبقه است و دیگر اینکه «آزادی» او در قبال چه کسی و چه نیروئی است؟ آنطور که از جمله پیرو شما برمی‌آید، چنین برداشت می‌شود که شما از حاکمیتی صحبت می‌کنید که مستقل است و «آزادی» او را

۹. ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ کامبوج
۱۰. ۱۹۶۷ - ۶۹ گواتمالا
۱۱. ۱۹۸۳ گرانادا
۱۲. ۱۹۸۳ - ۱۰۸۴ لبنان
۱۳. ۱۹۸۶ لیبی
۱۴. ۱۹۸۰ السالوادور تمام دهه ۸۰
۱۵. ۱۹۸۰ نیکاراگوئه تمام دهه ۸۰
۱۶. ۱۹۸۷ ایران
۱۷. ۱۹۸۹ پاناما

فروپاشی دیوار برلن و فروپاشی سوسیال امپریالیسم شوروی
به انضمام اقمار اروپای شرقی و پایان «جنگ سرد»

۱. ۱۹۹۱ عراق جنگ خلیج
۲. ۱۹۹۱ کویت
۳. ۱۹۹۳ سومالی
۴. ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ بوسنی
۵. ۱۹۹۸ سودان
۶. ۱۹۹۸ افغانستان
۷. ۱۹۹۹ یوگسلاوی
۸. ۲۰۰۲ یمن
۹. ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ عراق لشکر کشی و اشغال عراق
۱۰. ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ عراق
۱۱. ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ افغانستان
۱۲. ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ پاکستان
۱۳. ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱ سومالی
۱۴. ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ یمن
۱۵. ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ لیبی
۱۶. ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ سوریه

مقایسه جدولی جنگ‌های دو دوره پیش و پس از دوران «جنگ سرد» دقیقاً نشان می‌دهد که تفاوتی به لحاظ رفتاری در آمریکای قبل و بعد از جنگ سرد بوجود نیامده است. تعداد جنگ‌ها کم که نشده، تقریباً ثابت مانده است. این نشان می‌دهد که نظام تک قطبی و یا چند قطبی در بوجود آمدن و یا پیش‌گیری جنگ‌ها نقشی ایفا نمی‌کنند. آنچه تعیین‌کننده است، ماهیت و محتوای تضادهای امپریالیستی است. امپریالیسم برای زنده ماندن نیاز دارد تا بازارهای جدیدی را تحت سلطه خود درآورد. نظام سرمایه‌داری جهانی در دوران رقابت آزاد هنوز به همه بازارهای جهان دست پیدا نکرده بود. اما امروز که بازاری برای تقسیم نمانده است، امپریالیست‌ها به بازار همدیگر دست درازی می‌کنند تا رقیب را از صحنه به در کنند. هژمونی نظامی اگرچه تسلط بلامنازع بر بازار انرژی جهان را تضمین می‌کند، ولی می‌بینم که عقب‌افتادن آمریکا در عرصه نوآوری و تکنولوژیک هژمونی آمریکا را به خطر انداخته است. جنگ‌های بعد از دوران «جنگ سرد» را باید از این زاویه مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

دوم اینکه شما برآنید که «سیاست‌های جهانی آمریکا و دیگر کشورهای غربی نه آنگونه که ما ادعا می‌کنیم براساس سلطه‌گری همه‌جانبه، بلکه در تبادل مناسبات اقتصادی سیاسی خاص خودشان بنا شده‌اند». ما برای توضیح پدیده‌ها باید به معلومات روی آوریم در غیر اینصورت در چنبره یک سری مجهولات گرفتار می‌شویم. روی آوردن به یک فرمولبندی مجهول برای اثبات عدم وجود امپریالیسم باعث شده است که شما به جای عنوان تضادهای امپریالیستی از «تبادل مناسبات اقتصادی سیاسی خاص» صحبت کنید. حُب این «خاص» چیست؟ چرا مناسبات اقتصادی و سیاسی آنها مانند کشورهای غیرامپریالیستی نمی‌تواند عام باشد و به زعم شما «خاص» است؟ چه چیزی این عام را از خاص جدا می‌کند؟ اگر «سیاست‌های جهانی آمریکا و دیگر کشورهای غربی نه براساس سلطه‌گری همه‌جانبه ... بنا شده» است، آنگاه «حاکمیت آزاد» دیگر معنا نمی‌دهد! اگر امپریالیسمی به زعم شما وجود خارجی ندارد و کشورهای غربی به دنبال تسلط بر کشور ما نیستند، آنگاه چرا باید حاکمیت «آزاد» باشد. شاید شما این «آزادی» را نه به معنای رها از قیود امپریالیسم، بلکه آنرا به معنای آنگونه که شما فرموده می‌کنید به عنوان «حق انتخاب آزاد شریک تجاری اقتصادی» می‌فهمید. هیچ کشوری را در دنیا نمی‌یابید که دارای این حق نباشد. حتی کشورهایی که در زیر سلطه آمریکا قرار دارند، می‌توانند آزادانه در بازار جهانی شریک تجاری مناسبی را برای خود انتخاب کنند. این یک حق بنیادی بورژوائی است. همانگونه که رژیم ایران مختار است، بنابر مصلحت خود، با چین و روسیه و یا با آلمان و ژاپن ارتباط تجاری داشته باشد، به همان نسبت هم عربستان سعودی این حق را دارد علی‌رغم وابستگی به آمریکا در انتخاب شریک تجاری خود آزاد عمل نماید. از این منظر همه کشورها «آزاد» هستند. ولی آزادی در دنیای مبتنی بر نظم سرمایه‌داری معنا و مفهوم سیاسی دارد. به این عبارت که یک کشور زمانی مستقل است که آزاد باشد و این حق از سوی جامعه بین‌الملل به رسمیت شناخته شود. این کشور مستقل، آزاد است تا در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی در عرصه‌های تکنولوژی، تحقیقات علمی، اولویت‌بندی در نحوه سرمایه‌گذاری در بخش صنایع کلیدی، اولویت‌ها را براساس مصلحت کشور خود و نیاز کشور خود تعیین کند. این آزادی عمل ناچاراً با منافع امپریالیسم در تضاد می‌افتد و همانطور که تاریخ گواهی می‌دهد، مقاومت و فشار هر دو سو را برمی‌انگیزد و تشدید این تضادها به دخالت‌گری، کارشکنی، تحریم، تهدید، تعرض، کودتا و در آخر به جنگ و خونریزی می‌انجامد.

اما کشوری که وابسته است، سیاست دولت بیگانه و مسلط بر کشور را مبنای سیاست داخلی و خارجی خود قرار می‌دهد؛ رژیم گذشته در زمره کشورهای وابسته به حساب می‌آمد و از این نظر مستقل و آزاد نبود.

موفق باشید. •

هم داریم، حواست جمع باشد». «باید توجه کرد که سالیانه یک میلیون انسان در اثر بیماری سل جان‌شان را از دست می‌دهند، سالیانه نیم میلیون انسان در اثر بیماری ایدز جان‌شان را از دست می‌دهند، از مالاریا یک میلیون نفر، آنفلونزا ۳۰۰ هزار تا ۶۵۰ هزار نفر، گرسنگی سالیانه بین ۳ تا ۵ میلیون تلفات می‌گیرد، در حمله آمریکا به عراق ۱،۵ میلیون نفر کشته شدند، در اثر داروهایی که صنایع داروسازی تولید می‌کنند که به اندازه کافی روی آنها آزمایش نشده است و برای سود بیشتر به بازار می‌آید، سالیانه در آمریکا جان ۱۴۰ هزار نفر را می‌گیرد، همه اینها را مقایسه کنید با ۲۵۰ نفر تلفات جانی که «ویروس کرونا» تاکنون داده، این بزرگ‌نمایی امپراتوری‌های خبری با چه اهداف شومی انجام می‌شود؟ (از برنامه دکتر مرتضی محیط) از اینرو از امپریالیسم خون‌خوار آمریکا همه چیز برمی‌آید. آنها می‌توانند از این سلاح‌ها بر ضد ایران نیز استفاده کنند. مسمومیت آب و نان، وارد کردن باکتری‌های خطرناک و آزمایش آن روی مردم و یافتن پادزهرهای مناسب.

البته در این صورت دکترهای آمریکائی از طرف پنتاگون به عنوان ارائه حقوق بشر سرازیر ایران خواهند شد تا نتیجه آزمایشات خود را بفروش برسانند. البته نباید فراموش کرد که سابقه جنگ میکروبی حتی در زمان روم باستان وجود داشته است، بطوری که امپراتوری روم برای حفظ موقعیت خود حیوانات مرده را در جغرافیایی دشمن قرار می‌دادند تا این آلودگی موجب مسمومیت فضا و به هلاکت رساندن دشمن منجر گردد.

در جنگ جهانی دوم آلمان نازی با توسل به ستون پنجم خود در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ده‌ها هزار اسب و گاو را از پای درآورد، تا از این طریق با ایجاد مسمومیت حیوانی و کمبود مواد غذایی دشمن را از پای درآورد که البته با شکست روبرو شدند. روشن است که ابراز هر شک و تردید به معنای صدور حکم قطعی در اثبات این مورد مشخص نیست که حتماً «ویروس کرونا» مولود مداخله و توطئه امریکا است. اما با توجه به ماهیت امپریالیسم آمریکا و بحران اقتصادی و عروج چین به عنوان یک رقیب نیرومند سرمایه‌داری انحصاری استفاده حتماً از جنگ بیولوژیک نیز غیرممکن نیست و باید چنین شک و تردیدی را مورد نظر داشت.

باز هم روشن است چین امروز به آن درجه از رشد صنعتی و تکنولوژی و صنعت و سرمایه رسیده است که بتواند در مقابل رقیب آمریکایی خود بایستد و از پا در نیاید.

تجاوزگران استعمارگر باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند!



پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: «موضوع «کرونا» چیست؟ آیا جنگ دو قدرت اقتصادی است؟ آیا یک جنگ روانی تبلیغی آمریکا علیه چین است، توطئه امریکا است؟ نظر شما چیست؟»

پاسخ: دوست عزیز امروز در مورد جنایات آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون در مورد جنگ بیولوژیک اسناد غیر قابل انکاری منتشر شده‌اند. کتاب‌هایی نیز در این زمینه منتشر شده‌اند که معروف‌ترین آنها «نام مستعار، آرتیشوکن» است و نشان می‌دهد که چگونه آمریکائی‌ها با یاری نازی‌ها تحقیقات خود را در عرصه استفاده از سلاح‌های بیولوژیک برای نابودی «دشمن» کامل کرده‌اند و از این روش در جنگ کره استفاده نمودند و هزاران نفر انسان را در کره شمالی کشتند.

اسناد این جنایت در زمان خودش رو شد. آنها از همین روش در خود آمریکا، بعد از فروپاشی برج‌های دوقلوی نیویورک با استفاده از باکتری زخم سیاه برای ایجاد فضای تروریستی در آمریکا سود بردند و حتی چند شهروند آمریکائی را با برنامه‌ریزی کشتند. تلاش آنها این بود که این اقدام را به گردن شوروی و کوبا بگذارند که معلوم شد نوع این باکتری‌ها تنها در آزمایشگاه‌های وزارت جنگ آمریکا تولید می‌شوند و قابل کتمان نیست. حتی متحدان آمریکا نیز این روش را در زمان صلح نپذیرفتند و صحت‌اش را مردود دانستند.

حضور و «ویروس کرونا» در چین و این همه تبلیغات عظیم رسانه‌ای نیز این تردید را در جهان ایجاد کرده است که مبادا این کار، کار آمریکائی‌هاست و دارند چین را تهدید می‌کنند و به آنها می‌گویند «ما چنین اسلحه‌هایی داریم و بدتر از آن را



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						